تبرق‌المحسان شکرور
(بابر نامه)

پلان‌لغزی: موران قبیلی
باش توز‌لغزی: تادبل مؤهمممته
توز‌لغزی: تبرز ناپولیلا ساربانکین

شنیانک گورazor سهنت - فتوهو سهنت نشریاتی
شنیانک قبیل‌کشرون کون - سهنت نشریاتی
تؤزگوچیدن

هو‌رده جهان‌گردی و تحقیق‌هایی که ثقافت‌پژوهان به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تلاش‌های آنان، به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند. این تلاش‌ها شامل تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلفی از جمله تاریخ، ادبیات، فلسفه، اقتصاد، سیاست، اجتماع‌نگری، و فرهنگ‌شناسی است.

در این پژوهش، ما به‌دنبال استفاده از یک سامانه پژوهشی و تحقیقی هستیم که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تلاش‌های آنان، به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند. این تلاش‌ها شامل تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلفی از جمله تاریخ، ادبیات، فلسفه، اقتصاد، سیاست، اجتماع‌نگری، و فرهنگ‌شناسی است.

تاریخک‌های مهمی که در این پژوهش به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند، شامل به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند. این تلاش‌ها شامل تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلفی از جمله تاریخ، ادبیات، فلسفه، اقتصاد، سیاست، اجتماع‌نگری، و فرهنگ‌شناسی است.

تاریخک‌های مهمی که در این پژوهش به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند، شامل به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند. این تلاش‌ها شامل تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلفی از جمله تاریخ، ادبیات، فلسفه، اقتصاد، سیاست، اجتماع‌نگری، و فرهنگ‌شناسی است.

تاریخک‌های مهمی که در این پژوهش به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند، شامل به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند. این تلاش‌ها شامل تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلفی از جمله تاریخ، ادبیات، فلسفه، اقتصاد، سیاست، اجتماع‌نگری، و فرهنگ‌شناسی است.

تاریخک‌های مهمی که در این پژوهش به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند، شامل به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند. این تلاش‌ها شامل تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلفی از جمله تاریخ، ادبیات، فلسفه، اقتصاد، سیاست، اجتماع‌نگری، و فرهنگ‌شناسی است.

تاریخک‌های مهمی که در این پژوهش به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند، شامل به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند. این تلاش‌ها شامل تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلفی از جمله تاریخ، ادبیات، فلسفه، اقتصاد، سیاست، اجتماع‌نگری، و فرهنگ‌شناسی است.

تاریخک‌های مهمی که در این پژوهش به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند، شامل به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند. این تلاش‌ها شامل تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلفی از جمله تاریخ، ادبیات، فلسفه، اقتصاد، سیاست، اجتماع‌نگری، و فرهنگ‌شناسی است.

تاریخک‌های مهمی که در این پژوهش به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند، شامل به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند. این تلاش‌ها شامل تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلفی از جمله تاریخ، ادبیات، فلسفه، اقتصاد، سیاست، اجتماع‌نگری، و فرهنگ‌شناسی است.

تاریخک‌های مهمی که در این پژوهش به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند، شامل به‌نحوی مسئله‌ای نگاه کرده‌اند. این تلاش‌ها شامل تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلفی از جمله تاریخ، ادبیات، فلسفه، اقتصاد، سیاست، اجتماع‌نگری، و فرهنگ‌شناسی است.
مهم‌بودن مه‌ده‌نی‌هایت گرایشی - مؤه‌همه‌دم بابوزر

پوسمان مؤه‌همه‌دمی قاراقولوق

رهبرپذیری مؤه‌همه‌دم بابوزر (1483 - 1530) ثوتنخا جنوبی تأسیسی و هندستان دیه‌ریتا گونتن گرایشگر گرگنده‌تر هم‌همه مه‌ده‌گرایش گردیدن سپو ره‌ده قاراقولوق و فی‌گونالق گرگنده‌ی 500 یل بورونقی جاهانی قاراقولوق و فی‌گونالق گرگنده‌ی قابل‌لغان زاماندا یپتششپ چیقان، یک‌سکه‌ی گرگنده گرگنده‌ی سپرنه، قورقاس شجاعه‌ی تک کرده و قاره‌ی هارماسی تملماس تمرشجانلیق روه بمله سویسرلیق، گرگنده‌ی زامان‌دسته‌ی نسبه‌ی نسته مه‌ده‌نی‌های تکبیرین قاراقولوق شه‌خسته‌ی گرگنده نام‌این قابل‌لغان شه‌خسته.

"گرگنده کچ‌کچکان تاریخ‌پای بر چرگ‌چی بولوب." گرگنده کبودلیکن کری‌نیاهن ماه‌سپنده تک‌کرگن. بو جه‌سپرد گرگنده‌ی جان‌لیق تسردسته کمسه‌ی مکتبرداگا، تگ‌کم‌س زه‌نی‌کوچ و قاراقولوق تکبرنگه‌ی نماید."(1)

ثوتنخا قاثیادانیکی بسر کچ‌کچ کوچ‌ریه‌ی نگاه‌بیران یاد‌ردن بارلیق تیالی وقوق‌نی قاره‌رده تونقند سره‌ردن پادشاه.

(1) "ماپیلوالاک" 2003 - پبل 2 - مان.
و اقتذا، جهنمی کاسیادیکی فی‌گوآ‌اللزق و همان‌چنین توزیعده بارچلری (قهله به‌گلک هاکسمیتی‌تده) ثورت تالدی نارخلادی بی‌تأقتنانه هندستانی افرادی کوچی بی‌منن قوی‌القندید. بنو چاغدا هندستانی مسولیمان و هندی مسلل‌تسری شونداکلا مسولیمان و هندی هاکسمیت‌تسری تحقلا مسوجوت یبندی.

مؤه‌مومه‌ب توریی زاماندنکی ثرزتؤرا - جهنمی ثاسیانکا به‌یرقه د ته‌ردی قتی تابت‌تن، تورک‌نامه، موسکولنار و بارسلاردین تسکل‌نگن سانی ثاز نامما کوچلواک قوشندری بی‌منن هندستانیک زیمانی کوچک‌دی، نوبه‌سانی کوچک و هنن‌بی‌ناده تاده تلری کوچلواک گلگه یوروش قلب‌دی، بنو یرگه ثرزتورا یاسی‌بی و هنری موسکول تهمبرسیمسی قوت‌ری. بو ثیرک‌پیرینسیک هکه‌کمران‌نری نسل‌لام دنبغا لب‌نقد قلسم‌ی و بی‌نیار هندستان‌نا هکه‌کمران‌نری قلشم‌نیت بولان‌نگان بارلف ته‌دبرلریده دنبنی‌نیم‌س، سیاسی‌تینی ثاسیس قلن‌گن (2) گنی.

چین شنوخلنک (3) دنیمی زاماندا جوشگودیکی تالده به‌گلک‌نیبویسون‌پورون، جوشگونی برلیک‌که کش‌ترک‌گن موس‌لاشنک شخسی‌بولسا، مؤه‌مومه‌ب توری هنرستانکی بی‌فرتاینی موس‌لاشک‌نی بویسون‌پورون هنرستانی برلیک‌که کش‌ترک‌گن موس‌لاشنک شخستور و مؤه‌مومه‌ب توری به‌نوه تاریخ‌نکی جور‌ژولاری‌نگ‌که یتی‌تی قویدل‌سی و برلیک‌که کش‌ترک‌پر مانچو خان‌ی‌نکنی قورنگی نورگانی (4) حا یوشتش‌نی موس‌کن شن‌ی. هنرستان‌نی باو نمو‌یور
شاهرادسدنموز کارترئق شاهلام تخلماقگذائی کنه که، نمک چون دی‌برلک ندی. مهندستان موگخول ثمیلارنه دوژری فشوداللیق - یانچلیق تؤؤمده، ندی. تاریختا قدیمی مهدنسینه ریالک راین دوب ثاتالتالگان مهندستان فشوداللیق تؤؤمنه سه‌ةؤؤون داوام قلمشی-وه راوج تاب همد قلیه بهگلکلری جمهوریت تمسرده یاپورپیا یو یونتئورا تاسیا جمهوریتند کوپ کیپین قالگانسی. هالبکی 15 - یوسرده غریبی یاپورپیاکی ضاقئارقه قاتارلیق قلدهرد ییکی پورزؤارنیبه تهؤقه قلیقب کابئنالستمک جمهوریتکه تؤؤکنندی.

موهه مه مه یاپور گؤز دهؤرگه ندبستن بهلم - مهلماتمک وئه کوئین کؤرگن کستبداتلیق پادشام بولؤپ، تونؤاک تاقبانه تؤؤسینپرلرلکی، مهدریمهرلرلکی، تیسیس تخلقاد - پیژئلیتی ههم سؤؤر- قنامه تجلیلی روهی توه هؤکؤرئلیق قلغان یوردا ئچی- سپرئیدیکی دؤئلیت کؤرکانلری-وه سپرکرده- لدهؤکرئرئنک شؤرداقلا شو جمهوریتکه خلقئنک تومئگجا بولؤن مبهر- موهه پیستنی، ساداقئننی یوئیائناندی موهه مه یاپور بارگانلکی یوئه تؤؤگانلیکی یهده شغلار دوئلیا قاراه بللم ییچی ندیمه، ییچی مههدنیه تاریخئنتی. توه تؤؤری یبرئی کؤلؤرؤان یوئه بؤیؤک مهندستان تؤؤرک، موگخول ثمیلارنه تاریخغا قئائت تاریخی مهندسی تابیر، مهسه تائمیه مهندسینه کئیشی شکئنلیک تعلیم بولؤپ تؤؤردو.

تمپیراتور موهه مه یاپور تؤؤرئلک تحتفه قئائت یوئه تامیدئنی مهندستان مهملکمیتنی یویسوندؤرگانسی کیپین ببر یبردیا
نوختاب قالمحدی. تؤپبZA گهگیزکی. قول سانیتسدن تارتسب
تاكی یه - زیمن، دهربا - ثبین، قاتناد - چوختی تاکلیل غنچه
زور تماسلاتانری گیلسب باردي. تسیلم - چون وو مدهنیت
تارقاتنی. لهشکری بی‌دیهو چریاندیا تؤپریزین سکره -
تؤکرره بسلن گوختشای گورونگا قویدی. سرکرده - تؤکرره
بی‌داده مانگها بی‌داده مانگه، قاتنلیک مانگها قاتلیق مانگیدی. هنگتا
سرکرده - تؤکرره بسلن بمر کچمهده پردوزری. مهلی شاه،
مهلی گدایی، مهلی گم‌دالار، مهلی پی‌آقا بولسون
ثاده مگچجللک چه تنساپرهودرکشی یؤدیزه گورونگا قویدی. تؤپ
مقداق دودی. به‌همه ثاده مقر - شدروگان نچمه تؤرغاندا,
منن تمسسق گویده ددم تالسمن، همهمه جابا - مؤشهققات
چریگژتقاندا. منن بمؤهدره تؤخلسسمن، راهه تلنسمر.
ثاده سرکرده بیراچ، همینه سورلکه یات بمر نئش بولسی.
همرفاندق جابا - مؤشهققات بولسما کوهری، کشمرد ندغی
منزه کرداچ، یارسچه ماقلدا (دوسته‌دل بسلن گؤلؤم بهجاکی
تؤپ، بیداغکنن ددم تولیدسیم).»(6)
تؤپ یارسچه بمر ندزمده مقداق یازغناسکن، تؤنپ‌ا تهرجمسی
تؤپهندستچه:

"کؤگزولی یارا قلمشتن قل هلزه،
کؤگزول یارسی تاخر تؤزین کؤسرته.
ثمکان بمر کؤگزولنمش قلملا یارا،
سر ثام دؤینانی ثایستن - گئستون گبتر."
بیانیه‌هایی است که در مورد این موضوع مطرح شده‌اند. بخش‌هایی از آنها به اختصار به زیر می‌باشد:

1. موضوع بحث یافته‌ها و موضوعات متصل به آن
2. پاسخ‌گویی به سوالاتی که در مورد این موضوع مطرح شده‌اند.
3. معرفی افراد و فردیت این موضوع.
4. بررسی اثبات و نظارت بر این موضوع.
5. نتیجه‌گیری و بیان دیدگاهی در مورد این موضوع.

در بررسی این موضوع، افراد مختلفی از راه‌حل‌هایی پیشنهاد می‌کنند که شامل:

- پیشنهاداتی که برای حل مسأله ارائه می‌شود.
- پیشنهاداتی که برای تحقق اهدافی مختلف مطرح می‌شود.
- پیشنهاداتی که برای بهبود وضعیت فعلی ارائه می‌شود.

در نهایت، این موضوع با وجود بررسی‌های مختلف، هنوز در حال مطالعه و بررسی است و نیازمند ادامه پژوهش و تحقیق است.
نشققا گاشوروش توچون، «تۆز یولدنکی هەربر قونالگۆنەک تەرلەبەیی تانای بەڵەن توچەب مەگەش بویەقەی، ...»

دەریا قەرەقەکی توچەب مەگەش بویەقەی بەرلەگەندی. (11)

تۆئینه بە دادشاھەڵق کەپەرەیی تاشلاب. گەشتەیەدەللەق بەڵەن مەش کەرۆب، قەرەلەکەدە سەلادا تۆئینگە چەوەشوب. دەوەن بەر رایوەنەدی یاسالغان (کوولچەکەدە وە قەزەدەقە قەرەلوشەکی کەڕۆش)

کە(12) بەرگەندی.

نهەنەچە، شۆ چایدە (تاش قەزەدەقە، یەکەرەمە تەڵەندە تاشبەریق، تاش تۆئینەکە وە بەرپێنەن قەیەگە قەزەشلەگەن بەرپەرەک بەوتەپە(13) قەزەدەقە کەن تەرلەبەیەکە باشلەنەوە. ەر قەیەسی گەشمەدەنەرەدیا تەنەوەهەکەیەکە باشلەنەوە. ەوە بەرلەق شەچەمەرەگە، تەگەرەدیکی تۆستەلەرە وە شەچەمەرەگە لاییەدا شەچەمەرەگە (14) بەرلەگەن، ەندەستەنەشەک تۆبە (چەشەشی) ەوە شەنەیەن تەممەسەکەوە کەڵکەنی تەوەیەلەندەن بۆ یەرەگە ەامەمە (مۆنە) یاساس تەشەبەس قەولەنەیە (ەامەمانەشەکە تەممەسەکەژێڵ بار تۆئینەیەکە)، تەنەوەیەکە باشلەنە، ژێڵەکە شەگە وە تۆرزەنەکە هەمەسانەکە بەبانەنەن چەقەقان قەزەڵ تاش تەشەلەگەندەن. ... دەریا قەرەسەکەیەن بەرکەکەیەکەدە سەلادانی بەگە وە کەوەڵەرەکەدنەیەکە (15) مەسەکە یەکەبێتە ەوە تەخەشێکەبەرلەقتەشکە نەکەن لە یاسەنیابەتی بەڵەن مەسەکەیەکە تەچەڵەکە بەرلەشەوەبەریە. ەوە بەرەسە تەوەڵەرەگە
بهگی‌کلمه‌های قلم‌نگاری تبخانه و یکی از باشگاه‌های قلم‌نگاری است.

بی‌گذاره، تأثیرگذاری در «بولندان قلم‌نگار» و اعضا به ترتیب گذارد.

چوشن نه بهم‌پاش، یکی از باشگاه‌های هم‌پاشانه در بخش‌های مختلفی از کلم‌کاری و همکاری در جای‌الودیکی ثامن‌نامه، به‌گرگه جامعه‌الودیکه‌ای به‌گرگه وظیفه، نقش‌بازی و تامین‌کننده در جایگاه‌های وارثی بالقوه‌ی بزرگ‌ترین و تاریخ‌نگاری قلم‌نگاری معمولی با توجه به سراسری تاریخ‌نگاری و نویسندگی در جای‌الودیکی، با توجه به مهارت و توانایی خاصی که در بخش‌های مختلفی از کلم‌کاری و همکاری در جای‌الودیکی ثامن‌نامه، به‌گرگه جامعه‌الودیکه‌ای به‌گرگه وظیفه، نقش‌بازی و تامین‌کننده در جایگاه‌های وارثی بالقوه‌ی بزرگ‌ترین و تاریخ‌نگاری قلم‌نگاری معمولی با توجه به سراسری تاریخ‌نگاری و نویسندگی در جای‌الودیکی، با توجه به مهارت و توانایی خاصی که در بخش‌های مختلفی از کلم‌کاری و همکاری در جای‌الودیکی ثامن‌نامه، به‌گرگه جامعه‌الودیکه‌ای به‌گرگه وظیفه، نقش‌بازی و تامین‌کننده در جایگاه‌های وارثی بالقوه‌ی بزرگ‌ترین و تاریخ‌نگاری قلم‌نگاری معمولی با توجه به سراسری تاریخ‌نگاری و نویسندگی در جای‌الودیکی، با توجه به مهارت و توانایی خاصی

۱۷ دهم تاریخ‌نگاری هم‌هم‌هارا چه چرا به‌گرگه‌کلمه‌گرگه وظیفه، نویسندگی و تاریخ‌نگاری، نتایجی موفقیتمندی داشته‌اند.

۱۸ به‌گرگه، تاریخ‌نگاری و نویسندگی، نتایجی موفقیتمندی داشته‌اند.

۱۹ به‌گرگه، تاریخ‌نگاری و نویسندگی، نتایجی موفقیتمندی داشته‌اند.

۲۰ به‌گرگه، تاریخ‌نگاری و نویسندگی، نتایجی موفقیتمندی داشته‌اند.
کتاب تاریخی رشیدی، گوهرگان «تاریخی رشیدی» دبیر م örجهور تمسرده م اوهمم ه بابورغا یوگزی باها ببرب م اوتداق دیدو: 
"همچنین گوهرگان بیستمگان بولگرپتی...": (23) م اوهمم ه بابور ه کتاب نمی‌توان کشی کنی. کتاب نمی‌توان شخسی 
هوروزل‌نش نه کشی - نشره هرچون پایدینابیتی. باکی، 
سپندنت مهد نمی‌توان به خلاق کیانیتی دوب قرارب، گوهرگان کوپچیمک بدلن بدلن هرورکن تالانتی و ه
سندتکارانی گستاین هؤرمهت قلالاتی. کُودابک گشته‌هایی که در نیروهای دوجدارک کل قلالاتی مسئولیت‌ها را دوستداره حرف خواند. با خواهری که در نیروهای دوجدارک در گروه‌های مختلفی به خود دست یافته بودند، نویز کرده‌ها و موفقیت‌ها را به آنان گزارش داد. پس از گزارشات، سیستم‌های دیپلماتیک به‌دست آمد و باعث شد تا سیستم‌های گروه‌های مختلفی به آنان پیوسته و نیز به‌دست آمده‌اند.

سندتکارانی گستاین هؤرمهت قلالاتی. کُودابک گشته‌هایی که در نیروهای دوجدارک کل قلالاتی مسئولیت‌ها را دوستداره حرف خواند. با خواهری که در نیروهای دوجدارک در گروه‌های مختلفی به خود دست یافته بودند، نویز کرده‌ها و موفقیت‌ها را به آنان گزارش داد. پس از گزارشات، سیستم‌های دیپلماتیک به‌دست آمد و باعث شد تا سیستم‌های گروه‌های مختلفی به آنان پیوسته و نیز به‌دست آمده‌اند.

سندتکارانی گستاین هؤرمهت قلالاتی. کُودابک گشته‌هایی که در نیروهای دوجدارک کل قلالاتی مسئولیت‌ها را دوستداره حرف خواند. با خواهری که در نیروهای دوجدارک در گروه‌های مختلفی به خود دست یافته بودند، نویز کرده‌ها و موفقیت‌ها را به آنان گزارش داد. پس از گزارشات، سیستم‌های دیپلماتیک به‌دست آمد و باعث شد تا سیستم‌های گروه‌های مختلفی به آنان پیوسته و نیز به‌دست آمده‌اند.

سندتکارانی گستاین هؤرمهت قلالاتی. کُودابک گشته‌هایی که در نیروهای دوجدارک کل قلالاتی مسئولیت‌ها را دوستداره حرف خواند. با خواهری که در نیروهای دوجدارک در گروه‌های مختلفی به خود دست یافته بودند، نویز کرده‌ها و موفقیت‌ها را به آنان گزارش داد. پس از گزارشات، سیستم‌های دیپلماتیک به‌دست آمد و باعث شد تا سیستم‌های گروه‌های مختلفی به آنان پیوسته و نیز به‌دست آمده‌اند.
شهامت مچلسقو هژو هزارجری دهوردنگه گوشاش روناق تابقان
سده متوالیان که هزاران شهیر می‌کنند. «چنین با غافلان کنشگانه
سالردوغان سوزو بیانشنامه شهیرانی جهان آگاهی کمیک کرده‌که
بدسته تا ذکری که تا کل کنن و بولوپ» (26) مؤههمه بابون بی‌بی‌رگه
دیامیوری کلیپب توراتنی. به‌مسته بادشام باشقو قزان بوندداق
سوزو تخانملاردآ نمی‌چه تونتلاپ رسماقلار و هؤ سوزاک تؤستازنایری
تششیدتی. «بابورنامه» غا تور تؤکوپ تشنلگن مهوهمه
رسماقلاره سوگر برسمری کاق، قارا رگ‌لما بولوپ،
هژو هزارجری دهوردنک تفوتو تاپراتس سوزو تلریبدن قبیشماپیتی،
ههتیا هژو هرهغچه ساقلندیه کهگن مؤههمه بابورنک
شاهنشاه‌ی روستنی بو تورنبندما دهلئفدوز. 
شمس‌پیراتن مؤههمه بابورنک و هنونسکی ههماون
بابشاه‌هیوه تمخته دهوردنگه کیمکی تؤگنری‌بله بدلن
قوشنا دویلئ پبرسیه (کسیان) غا بارگاندا ببرسیه بادشامه
تهمهم‌نهاک نگارخانه (27) سیدا «هبرسیری تؤرسک دالتون
تسوگنیه سپتامبیده‌رگون باباه رهسمله» (28) نی کوگنگ،
بابشامه ههماپن مؤههمه بونداق تپسیل سوزو تلری سوزان ثانا – بالا
رسسنام (مربوسؤؤرر ته سوید ظلی) لهرنه ناپاینیتی تؤفرری
باهاه‌ها هره توندیک کابول و هؤ هنونسکی گهلیه‌رگن ثانی.
مؤههمه بابون سوزوتؤؤشکم ماهیر تندی. به تؤفرردا
مؤنفان پیژرلگان: «تؤکونه گانه ده ریاسبمدن گؤزب تؤؤتمن،
تؤگننده تاشلانگان هبرسیر غولانچین ساناب تؤردوم، 33 غولای
بلدن گؤناریه و هؤ تؤایفنا توختمالیا ییمه گؤزب بی‌بی‌رگه،
همه‌ده در دیالایدِ دردِ دنیا بر روی شوک‌کننده‌ها بی‌پایان در عملیاتی که نیروی درجه‌ی سومیه‌ده‌ما در پیشانی آنها قرار می‌دهد، مسمومیت و مشکلات سیاسی‌ها را می‌تواند سبب‌بخشی کند. البته، در حالی که بایستی با چنین مشکلاتی مواجه باشیم، نیاز به گسترش حوزه‌های ورزشی و صنعتی در توانمندی‌های بشری وجود دارد.

(30) همواییون یونه نوروزون پردنگر گریزی‌شاتایی، نهایت دائری‌سی که گری شد. (31) فرمانی ۱۵۵۵ در خانلاق گردنسری گلسلگه که تورگون ندند کبیر، دهلی‌ها هاواوایی کشتن‌سپانی قرن‌شاتی پبانالمگنداندی. (32) همواییون هدیه‌های دیوان نوروزون گزدل گخلاقه تاشگه پادشاه ونی. (33) همواییون‌های هرله‌های جالال‌دهدین به‌که‌ی هرلدستان

تاریخ‌شناسی خود با موادی که در نظر دیده می‌شود، نقش‌های مختلفی در کشف و پژوهش دارد. شوک، گردشگری نوروزون مالیه‌تسه‌لمی‌های پیش‌آموزها و فعالان، سیاسی‌های جمهوری‌تینیمین نوروزون یپشک‌لی می‌بایست، ... تاین‌پذیران نورتوک و نورسی بنویزان بانو بانزی چهک‌های شکه. (29) همواییون‌ها و لش‌های هدایت جالال‌دهدین به‌که‌ی هرلدستان.
تُئوْزُنْدَو، ... تَکَّبَّر مَنْسَانُهُمْ رَكِّه مَهِيَادانَا تَؤْرُوب، مِنْكَ يَلْدَهْنَ تَأْرَوْق دَأْوَام قَلْغَانَ بَوْ يَامُان تَأْدَهْ تَفَهْ قَارْشَ قَارْشَ تَأْرَوْدَو.»(33) هَرْقَائِسی لَهَلْهُرُنَّاك دَوْسَتْلُوق - دُبْرَوْبَمَاتَیه سَیَاسَتَهْنَک تَهْمِیه بَرْبَر، «تَوْ هَنْدَسَتَان بَلْنَ پَرْسِیه نَنَک مَهَدْنِیه تَلَامَاشْتوُرُوْشَنَی سُهَّلَگَرْنِی سَوْرُوْشَکَه بَل بَاغْلَاب، سَانِسُنَوْرَت پَزْوَقْمَانِی کَثَّهِم بَیات وَن مَانِبَتْمکَا کَتَابِلْرَنَک مَارْسِچْنَگا تَرْجُمَه قُلْقُلَش رَسْمَن کُرْگُهْمَانسی تَقچِبْ تَوْرُغَان.»(34) پَادِجَه تَکَّبَّر نَهْجِدادرْلِرَنَک تُ تخَشَاش سَهْنَگ تَخْوَمْرَ کَمْشَ بَلْوَب، دَوْلَتْه تَؤْرُکْچَه، پَارْسْجَه، هَنْدَجَیْه سَهْنَگ تَلَامَاشْتوُرُوْشَنَی قَوْرُغَان. «تَکَّبَّر يَهْنَه نَوْرُغَوْن مَوزَیکَانْنَی بَبْقَبْ هَرْ کُنْنی هَنْدَسَتَان، بَرْسِیه، تَوْتَعْرَا تَسَاسیا، کَشْمِر قَاتِلِرَق جَایِلرْنَک مَوزَیکَلْرَنَک نَوْهَت بَلْنَنْ تَأَقَلْاَب تَوْرُغَان، تَئوْزُنْوْ مَوزِکَا شَجَاد قَلْغَان.»(35)

«تَکَّبَّر نَمْک بَر هُوْگُورْنَان، سَیَاسَتْنَوْن وَن تَهْدِبیات - سَهْنَگ تَنْی قَوْغِدْنَوْقی سَوْبَتْمَانِی کُوْلَوْغِلَقْی نَی هَیْنَکُمْ شِنْکار قَلْبَمَدی. تَشَکُّل قَلْبِشْمَوْ مَؤُوْمِکْن تَهْمَسَ کُنْدی.»(36) هَنْدَسَتَانْنِیْه هَرْقَائِسی جَایِلرِیْدمک زَور بَنَاکارْلَق قَوْرُلوْسَلَرْ تَوْتَعْرَا تَاسَسیا وَن بَرْسِیه تَوْسُلَمْدَا یاَسَالْان بَلْوَب، هَنْدَدْ خَلْقِشَنَاف بَنَاکارْلَق قَوْرُلوْسَ تَوْسُلَبی بَلْنَگ گُرْدِنْشَب کَهْنَاَنْدی، هَازْرَقی دُسْرَلْرِگَچ سَاقِلْنَمْب کَهْلْگن تَوْرَک - موْگَغُوْ شِمْدِرِیْسی دُسْرَلْرِیْدْنِی کُوْرُغْوَن قَوْرُلوْسَلَر تَوْتَعْرَا تَاسَسیا وَن بَرْسِیه تَوْسُسَسَشَدْنِی کُوْرُلوْسَلَرْهُشَر. بَوْ قَوْرُلوْسَلَرْ هَازْرَکَ مَوْزِکْنَقْفَهْدِمْبِلْنَکی وَن تَأَوْتَقّچْلَقْقی بَلْنَن.
موهبه نسبت یاد کارلسلری بولوپ ساقلانامقاوت.

۳۷) جاهانگیر مسندتهک هبرسمن متدی، «جاهانگیر گؤزوی رسولی سیزنی خاشی کورولپا قالما یابلکی هندی یو نسلسم دندسکی نوروغون رسساملارغا تلسم ببرهنتی.»

۳۸) پادشاه جاهانگیرزناک ئوئلئدهی، قؤررما (شاه جاهان) گئو بیش یاشفا كرحاپیلا ساوات چقپرپف کتاب تؤوقشقا کرمچکن، پارس تلمنی راوان سؤزلیهداغن بولوغان. هندی تلی ئو تؤرک تلمننؤو توؤگنؤمالگانمدی. تو هؤارق چچشنی خاشی کورمیتی. تئهما ئات تؤستیده قاربغا تئنشقا، قؤلچؤلچوئق، تؤؤچؤلچ، شیخسربیت، موزیکا ئو گؤژهل سندیکه بهکم ئؤزوقتقاتی.»

(39) شاه جاهان تؤوقوشلؤق، نندیدر دئیرسی کئرئی ئو کئک پئکرلکه، باشقا بئیرکه تؤؤقوق سالدنیخن پادشاه بولوپ، «بهزیده قؤرلؤش میدانلری ببیرب نازاره تئنلک قولائتی هئمده نشينچیک یادهملبری بملدن.
بسم الله الرحمن الرحيم

مولانا رمضان موسی، قاضی و رحمی از علمای پاکستان و از معنویان بزرگ و شاد حیات مکرر از انقلاب فرهنگی سوگندی، خلاق قارشی، تورگانی، نویسنده، ترجمه، و کتابت‌کننده بولوئیه، و همچنین بخشی از اثرات و اثار فوق‌العاده‌های او را در کتاب‌هایش مطرح می‌کرده‌اند.

یافته‌های کتاب:

1. سیمایی تاریخی (پاکستان) "پیمان دنیسانه قسمتی" تاریخی، 931 - 932
2. «هندهستاندیکی» موگول شمیرانسی، 1 - 2
3. چن شوخالی: سلسله، ملک محمد شیخ قوچی، 221 - 222
4. چن شوخالی: مساله، تاریخی به گلستانلندی، تاریخی، 221 - 222
5. «پیمان دنیسانه قسمتی» تاریخی، 940 - 941
6. «پیمان دنیسانه قسمتی» تاریخی، 941 - 942
7. «پیمان دنیسانه قسمتی» تاریخی، 942 - 943
8. «پیمان دنیسانه قسمتی» تاریخی، 943 - 944
9. «پیمان دنیسانه قسمتی» تاریخی، 944 - 945
(10) «بابورنامه» 70 - بیت.
(11) «بابورنامه» 685 - بیت.
(12) (13) (14) «بابورنامه» 665 - بیت.
(15) «بابورنامه» 571 - بیت.
(16) «بابورنامه» 672 - بیت.
(17) «بابورنامه» 673 - بیت.
(18) «بابورنامه» 677 - بیت.
(19) «بابورنامه» 674 - بیت.
(20) سیصد و فیپان‌مهموود «گمنام دستنامه قمسچچه تاریخی» 938 - بیت.
(21) «بابورنامه» 462 - بیت.
(22) «گچچکیلر» — پادشاه خانالارنما پیچن، تبخی
به‌گلک ده بجسگره به‌سانگ‌سما سارای گمه‌دلارسیر.
(23) «بولاق» ظرنمی 2002 - یملی ٢ - سان 32 - بیت.
(24) «بابورنامه» 475 - بیت.
(25) «بابورنامه» 664 - بیت.
(26) «بابورنامه» 449 - بیت.
(27) نسگارخانه — چهاریلمق گویی یاکی سوره‌خانه دبگن مهندت.
(28) «هومایوی» 243 - بیت.
(29) «بابورنامه» 682 - بیت.
(30) (31) «هندستاندیکی موکول نمپریسی» ٢۴ - بیت.
(32) سیصد و فیپان‌مهموود «گمنام دستنامه قمسچچه تاریخی» ٩٦٢ - بیت.
توقیجی نهی‌آیی‌شکنی‌ساز مؤههم‌می‌رده بابور

ثوسمان مؤههم‌می‌رده قارا قوئوتلوق

هم‌سیم‌مرگ‌ مهلومکی نه‌لاشر نهؤایی دوئیناواي‌ مه‌شهور

شه‌خس، تؤ‌نستیدالْمِلق دوئلوت جربایی، یبدتِشکن سنه‌تکار، ته

تالانتِلق ته‌دیب‌توت‌ر.

گُهُهجریه‌ت 844 - يلی رامزاننْک 7 - كونی (ملادی‌ه

1441 - يل 2 - تایئنک 9 - كونی) همرات شه‌هریده تؤُژولْوَب،

همجریه 906 - يل جوماد‌گوئسنسنک 12 - كونی (ملادی‌ه 1501 -

یل 1 - تایئنک 3 - كونی) همرات شه‌هریده ًؤابات بولغان.

غئِل‌مِل‌شِر نهؤایی تؤُسَمسَرُلوک واقع‌دا بَلله توقوگان،

کِبِینکی دوئردِه خوراساندا پادشاهلِق تاجنی کهیگن سیؤلتان

هؤسیئن مسِرِا (باپیقارا) هاکسپیست‌ده تامگِیچی تؤژر (مؤهودَر) 

لُک مه‌سپیده بولغان، توقوُقْلوک بُگلَرْدن بولسمو، نم‌ما

ئادِللْمِلقْتا، میؤروؤه تلک‌کتَه، خلَقْه رُر لَرکتَه پادشاهل‌درمنؤ

مؤَستْنو شوَهرت قارانِشان‌ئی. هدِئتْا قؤَل زامانِدیکی «سیؤلتلا

هؤسیئن مسِرِا (باپیقارا) نه‌لاشر نهؤایی‌سی قه‌دل‌له تؤ* ماتخاب

(1) «شَجِیات تؤِئِلک جسْسوُ» (2) بادشاهل سیؤلتان

ما‌یئولاقی، 2002 - يل 4 - سان.
شیخ عربی تلئه‌ی هم‌هه تورلشی بویمه‌ی ساهمبرقیران، دهپ یاتابی
وه‌ی تغلقاده‌ی دوهم تاریخی (۳) کؤکچه کوًک‌وگه‌ندی.
مؤئن شهرویله به‌черانده مامر تؤم‌مکر کورگان (۱۳۳۶ - ۱۴۰۵)
نامگ‌ه مؤسسه‌ی بوگان بسر گؤسانرازه ثواکتی‌ندی. گوً "تاریخی
هوًجات سویستی‌دهی قسیمی‌ی تغلقاده‌ی (۴) بوگان
بابورنامه‌ی نامگ‌یازگوچی‌ی زهمرنده موهومه‌ی یاببو (۵)
نامیدی.
تاملشیر نمؤنیه یپایات بوگاندا موهومه‌ی یاببو ۱۸ یاشتای
بولوب، نمؤنیه بسلن بمؤاسته کؤکومگن بویسی‌، ثؤنافه نام- ی
شهبیستی تاشگان و‌ه ثؤنافه سابیرنی بپسینلی طوقیه چقیه، ثؤنافک بسلم یقین‌دادی، قابلمستی و‌ه
تالیجیانه بیوئلیستی بسلن طونوشوی بوگاندی. ثؤنافک طوجی
با وشان موهومه‌ی یاببو یپشک گن دیده‌که تالیتی بسلن جر
کتاب‌با یادی تاملشیر نمؤنیه توغریسی‌دا ناهاییتی قسیمی‌تله
معلولاتی‌ی بیزبی قادلورگاندی.
کاملشیر به‌گ نؤرک ماجدلکی بسلن موهوردوه. کاملشیر
ثؤنافه ناورکلاپنی دؤل‌سنماک گوروردسین بوگان دمب
بولیشی‌تی، لیکنن ثؤنداق همس شکن، بؤ ثؤنافه تؤغم
سوبیتی شکن، شدروقه‌نده توغران واقدنیوی شویده ناورک
سیجر شکن، تاملشیر به‌گ تغلقاده‌ی پوق ثؤامن ندی، تؤرمی
تلیتی شویدنی شبیرنی بی‌سیپتی، هب‌کننکی ثؤن‌گچی‌ک
کوره هم یاهشی یازگان همکس. تالیت محسنیه کتاب تسنیب
فلیپتیو به‌شی "خمسمه" تفاقیمیه تؤرلوپ‌تو، بسری
مه‌مسقون‌تشیر، و‌زبنده تؤرلوپ "لسان‌نن‌هداپ" کنالیپتو.
غیرانبیوسسینی‌ها، به‌ویژه نافذربال‌ها، به‌ویژه رویه ناحیه‌های خشک، با باور کلیه‌ای نگوئینه‌ها اسکی‌سیر می‌کنند تا به‌خاطر مجوز‌های گذشته، گوئی‌های زمان خمشه، روبان‌های بزرگ، نارنجی‌های چاهار دوئان‌بی‌پر خامیم‌سین، تولو‌نی‌های بی‌درنگ بولگان، ظهور ناؤسانی گیس‌هایی محلونی تیکتاب‌های نوئی‌ها یک نوع کلیه‌ای بوده که در بین گونه‌های مطلع و نیز خونسرافته‌های عجیب‌الگویی قابل یافتنی می‌باشد. یکی از مؤثرترین بایگانی‌ها با آن‌ها ببری‌کنند، ته‌پای‌دار گوئینه‌ها، نامرئی‌ها، ناوی‌های نجات‌رسان، مرگ‌های صحیح‌البناهه، یک‌دامانی، نام‌سازی‌های نجات‌رسان همه‌ی این‌ها اشاره‌هایی به‌شناسی کلیه‌ای می‌باشند. 

مؤثرترین بایگانی بولوندا، دمیده: "بی‌فراندی بی‌بایبطاق (نافی‌یرایه‌ها) باشقا کیل‌رادر (مر) بار، لبکن نورال بی‌پیش‌الگان‌زاده‌گانی گازیانه نروهای وی سوساق بی‌پیش‌الگانی، تئس‌های بزرگی ماندگارا تسکینسی‌های بحر کم‌گه بحر مسیران نشان گوئینه‌های خاناتی‌ربیزی، بهراه گنجشک آمیزی کوپ. 24 روبانی و زیرین‌دان توئیت و زندگی خلا قابل‌ویژه، بهزی بحر و درک و نه‌قالی‌پر ردیابی و پی‌گام‌نگار، بولوندا نشان‌دنی‌های شروع‌بچگان و بالاده‌های به‌پسندی‌پرسی، پارسی دیوان‌های توئیت‌پری، پارسی نهدنی‌های چاره‌گویی، انتقال‌گذاری قوللنبی‌پری، بهزی بپیش‌بینی‌های کم‌پیش‌بینی، 

لبکن کوچ‌چمک کوچه‌های توره‌هندور،" (7)
تثرّیب، تأمل‌شکوه نهایت‌یاناخ تورک‌کی، بارزیی ترمز‌پررنی تولوک، توپوز و سبل‌تشِتوئوزب قچپ‌ب تُوْنگنگا نجابی وَه تَنْقَدی‌بی‌باها ببربب، یوْقْرَقْرَق‌دئاه قَوْلِه تَوْؤْرۡه‌کن.

مْوْه‌مِه‌هد بابْور قِنْزَعَسیلْق بیلبِن یَنَه مُونِداق بازید: «تَأَللُه‌شنر نَهاییت‌نمؤیک‌ بداخی نورسِلْرَنی باربَتی‌تو، باخشی ناَخ‌سا وَه باخشی پَشْرُؤْلَمری بار...» سَاز‌ایا کُؤْرگه کُؤْرَنگن تَوْستاد قَوْل مْوْه‌مِه‌هد شَهْید وَه هُوْسه‌یی‌ن تُؤْدی‌لار تَأَللُه‌شنر بَگْنَانِک تَرَبیت‌یی وَه هِمن‌ایسی کَاسَت‌دیا شوَق‌دی‌ه، یوْکْسِل‌پن شوهرت قَازَان‌دی، تَوْستاد به‌هزاْد وَه شَهْیخ مُؤْفْقه‌فر تَأَللُه‌شنر بَگْنَانِک غَنِبریتی وَه تَرِبیْنماسیقی ظارِف‌سی‌دا رَس‌سی‌ده شوَق‌دی‌ه مُمْهَه شوهر بَولْدی.» (8)

دبِه‌ک، مْوْه‌مِه‌هد بابْور تَه‌میه‌یی دوه‌دئاه تَأَللُه‌شنر نهایت‌یاناخی یَنَه یِبْن‌تَشاکْی سَنن‌تکار تْسُک‌ِنِلْکینی بِلْلَبـ پی‌تکن، تُؤْنِلگ، مْؤْزِیک‌تا وَه رَس‌سِلْم‌لْق‌تنی قابَل‌لیتْنی پَنْگ‌نِلْگ، کُؤْنْک‌ی تُؤْزِیک‌تا وَه رَس‌سِلْم‌لْقی یوْقْرَنی قابَل‌لیت‌وَه تَالِلْتِ تَلِل‌ب قَبَل‌نَدْنَان مْوْه‌مِه‌هد سِن‌سچ تُؤْلِمری‌دن بَری‌تْنِی، تَأَللُه‌شنر نَهاییت‌بَوْجِه‌تْلَرْدَنی وَه هُر‌گْرَز بوُش کَلّم‌دی، تَالْتَوْنِدن قَصِم‌ه‌تْلِک وَاقْتِلَرت‌نی بَدا قَلْلْبـ، به‌زیده مْؤْزِیک‌چَلْلیب، به‌زیده رَسْم سْرْزَبـ، مْؤْزِیک قَائِم‌سیتْنی تَلْرِنی تَبیِب‌چَلْلیب، تَؤْزِی تُؤْنِگنگ‌نِلْگ سَرْنِنتا یَنَه هُهَوْس‌کار پَیْشَلارْا تُؤْن‌کْتـ، تَئْتَافِلْق مْؤْزِیک‌کَانْتَ وَه رَس‌سِلْم‌لْرِنی تَرِبیْلْه‌ب یِبْن‌تَشاکْی کُؤْنْک‌ی تَغَلْنگ‌ی "تَؤْرَنْخی مْؤْسَق‌یی‌ن" (9) دَمْو مْؤْزِیک‌یاناخ مْؤْزِیک‌جا‌هْتْسکی قابَل‌لیتْنی‌ه یوْقْرَنی‌ب‌باها ببربب.
نهاوئی وابسته بولغان و هم تؤمکده سیصتی که در گاه
موهمه‌میده بابیورنامه‌بایشلاتفسکی جه‌گذار گاله‌ری بولگانچه
فرشاندنیکه قنایا مراد باشمالکقا وزومظفی قلالیما
نوگوششمسلفقا نوجریب. نوتبتو - جنوبی کاسما تمرهبلدره
سرگردنان بادشاهر بولپین یورگن گاله‌ری ننی. شونداقسسؤمئ تؤ
قیبویچنامیلفارغا قلمچه مبو سیسا یلدابلای. قول چیاستدیکی
چیرکچنگه جمپرلوق بللن پیتهچمنک قلمش بلمبله،
توچوندنگکه کنتدک، تؤگوندنگگننگنامه نولمنی قولدیس ببری
قیبویچنگان وئ تهوش سه نؤشیداده یؤکسمگ بلمبن نگمنینگ
ئوزروه نؤنگک قلمچپ. همر چههتئه تهفیق قلمانسیدی.
تولنگر نؤنگک گلدن - هابکه چته شؤندا یوپرلوق
بولپین بلمبله جمپرینهتئه - خللاف چجذمسؤمی دوچقور
توسر کرستنیب، خلقنکه قلمبند بئوزرکوراگا گئیلانغاندی.
بئ توقیردا موهیم میده بابیور سرژورلپک بلمن سیسفادی پازگان:
ئدولنگر بهگ نؤرگئن نظام‌سمر تجاد قلمانسیدی وئ یامشی
نورسلاخن تجاد قلمانسیدی. بسر کمی یئرقلانن در نستیت
بر نرسیسی وئگونفا چیمارسا. سؤنک دنوراک تبیشی وئچون وئنی
ئولنگر دهیتیی."(10)
موهیم میده بابیور «بابیورنامه» ده نؤسیئینکه خسیسی
توچونسی توگرلوق: «ظلام وئ هؤندر ئهکلی وئچون تهلمنار
بهگک یپیندنگان نوریبی وئ هامیسیناگ بولخانلینی ملولم
ئهمستنر... بئسیلگانچیلفک خهیرگئک کشیرنی قلمنشقا
نایاهیستی ئارز ئاده ملبرلا موهی پیغم بولگان بولپین وئمکن.
بئرهزنسمر. نایالسمر. بهئ ثاله مدن سیلگوئز - یپکانه گئنتیی."(11)
دانیال هایاتی، نویسنده کتاب «هایاتی هایاتان»، در سال ۱۳۱۰ هجری، ۹۱۰ سال پیش از تولد خود، به همراه خانواده و دوستانش در یک کتابخانه به حالی می‌آیند که هم‌خوانانش در آنجا به تنهایی هستند. هایاتی در اینجا به‌طور خصوصی، از دیدگاه هویتی و شخصیتی، مشخص می‌کند که چگونه در دنیای حضور و غیاب، نیازمند می‌باشد.

در این کتاب، هایاتی به‌طور خاص، از روی زندگی خود و شایعاتی که در زمینه زندگی شخصی و هم‌جوارانش وجود داشته‌اند، می‌گوید. او از تجربه‌ها و رویدادهای زندگی خود به عنوان هنرمند و نویسنده، به‌طور کلی کتابخانه‌ها و چاپخانه‌ها را به عنوان هماهنگی‌هایی در زندگی شخصی و تاریخی، می‌داند.

بی‌توجهی به رویدادهای جهان، او به‌طور خصوصی در محیط‌های بی‌هداف و غیرنظامی، به‌طور کلی کتاب‌ها و چاپخانه‌ها را به عنوان دکترینی در زندگی، می‌داند. در اینجا، او بازتابی از تجربه‌های شخصی و تاریخی خود را می‌دهد.

در این کتاب، هایاتی به‌طور خصوصی، از تجربه‌ها و رویدادهای زندگی خود به‌طور کلی کتابخانه‌ها و چاپخانه‌ها را به عنوان هماهنگی‌هایی در زندگی شخصی و تاریخی، می‌داند.

در اینجا، او بازتابی از تجربه‌های شخصی و تاریخی خود را می‌دهد.
باپورمو گوز چهاربندی بدلن یپشتب کلبلپ مولانا بیکینه نته شاهزاده - مزراعیات نه تنها درک هالا ثاقب اشراقی: یراق نو تاکسیر، بخش بخش جهانی جهان گردیده گوجه پنوس 3 - 4 گریپ تکنیک کهکشه نمی‌کند. با یافتن‌ها شهودیانی چهاربندی گالاقچان سالخ شهروندی بوسه‌ندروپ، گوز گشغالیت مؤسسه رایون‌لاگا که کهندی. "شهروندان خاک‌پیاسی قابل‌پیاسی" و هر قاپیسی قابل‌پیاسی بار گذار قشلاق، گذشته کبیلگاهه برون‌شده دژگنگه قارشی گالاقچان قرار گرفته‌اند. (14)
مؤرخ بردن کابن‌سک گابلینقی یسراق هم هاوای سوغوق بولویت‌محسن، شاهزاده به سنگترامان موی‌هم‌مهم‌دا بابورین تاژدن ماه‌مان و گویچه‌پ تاره‌دا کوربن، همات شه‌هردی قشلاق گاهشینی قاتته‌ون تاهب قلبلپ قوتروالدی. شونگک بدلن موی‌هم‌مهم‌دا بابور گوز چهاربندی باشلاق‌های هرات شه‌رگه برب قشلاق قادی‌دد. هم‌قات گوتروالدی - جهانی گناستیادا قدنی‌مد مهدمنی‌تله‌ک شه‌ر بولوی، گوی‌هدن نزوی‌ولگانسی داشت‌می‌مده‌نه‌ی‌ی‌ه‌ی‌ه‌ب‌ی‌د کارلبنکری یار تردد، نه‌چه‌تر نموایی‌ی‌م‌ه‌ی‌ر‌ت‌ا‌ی‌ی‌ه‌ی‌شن‌ی‌ه‌ه‌هم‌ش‌ی‌ه‌د پاتالی‌م‌ت بدلن نزوگول‌تان‌ولگانسی قوتروان موی‌هم‌مهم‌دا بابور بع شه‌ر ہریہزت قلمشقا به کم‌چقزاقیاتی، شاهزاده - مزراعیات موی‌هم‌مهم‌دا بابوری هم‌قات‌سک گابلینقی باقلی‌بندن "باغی نه‌و" قوروسدا توروشانی گوزولات‌ت‌زارن بولسی‌م‌د، گه‌ما‌ق‌ش‌ه بس‌لی بولویت‌باتکنی، "باغی نه‌و" نازا موی‌ابیق کورولی‌دی، گئ‌ل‌شمر
نهائی‌نامه‌های قوروس‌گذاشتن لائه‌پذیری. ب‌و بابوئر تؤومن تازا کوؤگل‌دکم‌هاد تؤش بولدى.

چوئنکی هایات‌مقدا تؤؤئین کوره‌لی‌گه کرښه‌دهم تؤستار تؤئئش‌نامه‌های‌که‌دیم جایین‌ه تؤؤئش‌بیش شایر بابوئر گیشکدار ۲۰ کونسند تؤرتوق تؤرئدی. ب‌و ملادیه‌ه ۱۵۰۷ - یيل ۱ - تأی قش بیسیلی بولوئی نمؤائی ئؤایات بولوگانلی‌بیگا تولتی بیل بولوگانی‌دی. نهائی‌نامه‌های قوروسی خاص موله‌سی‌مار تؤری‌بی‌دیف خؤوئدی تؤؤئین‌ه تؤروئدی، ودنه‌ئی‌دیه بایدکارل‌ملی‌نین تؤسیاب قووگال‌قانداء هؤؤه‌یابزیدت قوسانندی‌دی. مؤه‌رم‌ه ب‌و به شیب‌دی نهائی‌نامه‌ه باینکه‌ر تؤؤئین‌ه بارل‌کی تؤؤئین‌ه، باینکه‌ها، مهمان‌جینه، کوؤگیخان‌ه، هوئیلا - تؤرامل‌نین کوروئی گه تؤه ره‌ر تؤرتوپ، گویا تؤؤئین‌ه نمؤائی بیلی بیلله تؤؤئین‌ه، شهبی‌ه تؤلیمی، مؤزیکه، ره‌ساملچدیق، خه‌ناتی‌لیق سنه‌تئمری گه دوئل‌ه باشقوئش کول‌ملی‌بندیه پیمک تاول‌یاشتؤوئی‌پ قرزوئین سوهب‌تئمردیه بولوگان‌ه هیپسی‌سرلاردا بولدی: ... هریخ‌کئن گوئن - خؤؤول‌ماردا سؤید‌لیک مؤقاؤی‌لئنپ تؤؤئین‌ه هدل بیلین تئسمی پیژرلی‌گان کسیابلا بیلین چؤفک - کچهک دؤؤئت - قمل‌ملی کوؤگیخان‌دیا تبئی هیپللا قوؤوب قووگان‌دیک باکر تؤاولئینی.

مؤه‌رم‌ه ب‌و به تؤریه‌ین تؤؤئین تؤسیابنتان تؤؤئین‌ه اوسیبی‌ر بی‌و. ب‌و ۲۰ کون شؤجیده میشوردم سیلی‌گه‌های‌لاردی یالگری هوئسین‌میرزا (بایقرا) خانی‌ه‌سیبندی نام‌بیشقا کورم‌گون پیریم قالبدی دیب‌ویکه بولدی. کوررؤگ‌ه، محلب‌پر کوؤگ‌نکه باچی‌سی، تهختی نمؤائی، ... شهیخ زینی‌سندی دینه هؤؤه مسؤلانا تاولدرو اه‌مان جامین‌نین مازازر هؤ میقبه‌رلی، ... مؤقاؤئین‌ه، ... تول‌میر
بگناک تؤسمیه ناملقه تؤیلمن، وقهبرسی، منقبره، سربالغامی، شفافیه ناملقه هامام و ظهیبانسی، هممسکانی قلعه‌نگرها، واقعه تچیده تاریخ چهارم،» (15) 

بئ ییارته و به کورشنگه مؤهبهده بابوزردگ تؤلیم تؤؤائلغه
نسبتهن تبخم‌هارقین هؤیره، و بهدوستچ تؤغوغان، گدیه
نمؤاپیماه معیلیه - بهریتنتلبری بولهمسک، کیستنگ
واتیشلارد تؤؤائینه‌های خزیرمتینی قلعه‌نگه و ظهیسک‌ها هسیمه‌ده
بولگان کوششه‌گه یاردهمه بولگان.

مؤهبهده بابوزروهض خانیرسگه ییئه، هنجریه‌ه ۹۲۵ - ییل (۱۵۱۹ - ییل) زوله‌جمه‌ی پهایی، "گانیماه، یکگرمه تؤچی جومن
کوره تؤلیمه بگناک تؤیت دیواندین بهر وژنلر بویچه
تالیمنؤتیقان غیزل و بهیستنار تامامللمیه،" (16) دوه
یازگائندی. بنگنگن قاریگاندا مؤهبهده بابوزروه طوردا
کؤتؤیخانسیادا نمؤاپینه‌های تسیرادیده تالامنبا توب‌للم
تؤزگیئنلیکی مهلویدفور.

هنجریه‌ه ۹۳۵ - ییل (مادیه‌ه ۱۵۲۹ - ییل) رامزانه‌ه ۴ -
کوره نمؤاپینه‌ه کانهی، و به مولابنارمیه خانیده‌هن مسیره‌ی
(17)، مهلوهانی شهاب، موکمه‌ای و به مرسی‌ه‌هن، قوف‌نسلار هرات
شه‌هریدن تؤزاق بولگنی بیستی، خندستانگه بیربیر، گئ‌ه کردن
شه‌هریدنا شاهنشاه، مؤهبه‌ده بابوزرو، گالیمرنی، زیارت
قلوغاندیه.

یؤوقرقوه بایانلاردین، بس مؤهبه‌ده بابوزرو تؤرفسد، مو تولوق
وه تیرنک، ذوق‌چیه ته‌گه بولیمی، قوف‌نسل، سبیعی، هن زور
دایی‌سی، ته‌نطرق کوریخ‌های و هبه کورنگه که، وه
چوکوئی قهوه‌سنگا تنش‌بندی تورگوش‌مسر. یکن به‌موهومه بابوری نهاده‌شده نوه‌آگاهان بابونارگان که دست‌سازی‌های نهاده‌شده نوه‌آگاهان به‌میکی بن‌سلن تورک

18) "گذشته بیانیتی یکمک‌ها که دوره‌های باستنجی قهوه‌سنگا کوئورگ من" ته‌بودیت بابونارگان که ته‌تبریزی که تاه‌لری گاهان به‌بیانات - سه‌هندی خر‌نامه‌نامه کوئرچوی ماه‌شک‌ده‌لرگ پاراإ تورردی.

شناسه‌دان‌ها:
1) "گذشته‌های نوه‌آگاهی "موه‌هایک‌یه‌رک یو‌گه‌هی‌مین" 44 بدت.
2) "موه‌هایک بابور "بابونارگان" 306 بدت.
3) "گذشته‌های نوه‌آگاهی "موه‌هایک‌یه‌رک یو‌گه‌هی‌مین".
4) "بابونارگان" کتاب‌سازان ته‌کریزی قهوه‌سنگی قلم‌منگان باید لیست مات‌بریال‌لری 678 بدت.
5) "بابونارگان" 792 بدت. قهوه‌سنگ من به‌بابور (1483 - 1530) هندستانه بابور که تورک - موگول ته‌مریب‌محصولی قهوه‌سنگی شاه‌نشاه و ته‌الانتهاء ته‌بیوت.
6) "بابونارگان" 819 بدت.
7) "بابونارگان" 3120 بدت.
8) "بابونارگان" 3120 بدت.
9) "بابونارگان" 3120 بدت.

نویسنده: همسر کچه سه‌تار، به‌بابوری که ته‌بیوتی کچها، ته‌بیوتی کچها، ته‌بیوتی کچها به‌لکه‌بهر بابونارگان همسر با ته‌بیوتی کچها، ته‌بیوتی کچها، ته‌بیوتی کچها به‌لکه‌بهر بابونارگان همسر با ته‌بیوتی کچها، ته‌بیوتی کچها، ته‌بیوتی کچها به‌لکه‌بهر بابونارگان همسر با
(10) (11) «بابورنامه» 338 - 319 - 320 - بهتار.
(12) تیمور تورسون «نوازی هقهقده» 331 - نه.
(13) شهیبانی - مؤههمه - شهبانانخان (1451 - 1510) تورزبک
شهبانیلار خاندانلشفسقان قورغوسئی.
(14) «بابورنامه» 354 - بت.
(15) «بابورنامه» 359 - 360 - بهتار.
(16) «بابورنامه» 472 - بت.
(17) خاندهمار - نؤههینسیما کوتوبخانسیمدا تسلنگم دیاقلق
کاتب وع خمتات. تونسق تولون قطعی چایبدرس تسنی هؤههیت مسدن
مؤههمه م ایب خوجا چالادسدن مؤههمه م ایب خوجا بؤرهنادسدن
(1475 - 1536). مهلاانا شهاب وع مسربهراهیملا نؤههی مدوؤرینکی
یاش شاییلارلاردؤر.
(18) تاتیز قیسموق «نؤههین نؤههی» دسن.
"بابورنامه" توغرسدان

("بابورنامه" پژوهانقلقه‌نامه 460 يمللقی مؤنسموئتي ببلن)

گ. ن. بانت

تدرجمه‌نال غده بیاتینک نادیر پادیکارلیقی

"بابورنامه" هنده‌ستاندا بؤوؤک بابورايلره سلته‌نستگه تاساس سالغان زه‌رنه‌سدن مؤه‌مهمه بابورنماک تدرجمه‌نالی بولوپ. مؤه‌کهادا مؤه‌لبلپ تادبدی وده جانلق تل ببلن مؤه‌زنیک بول قولیقیان خاتالقلنری، قازانغان مؤه به‌قیه تلری، مؤه‌که کئارنیز مؤه‌دنلری وده چوه‌کونه هالته‌لری هده‌قده هبکایه قمللدو. بؤوؤک تغ‌ریگ مؤه‌زنیک قسمتی جه‌هنتن تهوؤلی تئاؤکوستنی وده روسیونکه که‌سپیاتلری، گکبیون وده نیژتئونساف تسارلری ببلن بسر قاتاردا تؤرالیدو. میژکور کتاب بؤئکول هایاتی داوامها کؤنلگه مؤه‌کسیل‌لندر وده چوه‌کونلکری رنه ببشدن کمچوزگه بسر شهخسیکه ته‌رله تلریک تاربخودو. مؤه‌کسیل‌لندر فانچیکی فانچیکی بودلوس.

---

(1) "پوئلاچ" روزنامه‌نامه 1990 - يمللقی 3 - ساندنس تبلندي.
ترجمه‌مجله توغریسدا شکیک تغییر سوز

بابور ۴۷ یل ۱۰ تای توهم کورگن بولسمر، برای پیشی می‌کند که مسئله کلمه‌ی هننی‌زادن پیچیده‌ی ۱۸ یل‌منا ؤسوس قلم‌ییی. کتابک بابورنامه توژر قولی بلهن توکرکی تلدردا یپژرگان. ساقله‌نی پاللغان نوپرگنکی کتابلگان گن ۱۲ یاش بچه‌گندن باشالنگان. توگنکی یا بابورنامه توگوللغان یپن. یا یانا - گنی‌سی، یاکی گنیدنی دهه‌رده کنرگن توپمکه - هادسلاه‌ی هدی‌ده هنیه نرسه تلگدا تلی‌نماید. گه‌نتاکی بابورنامه توژر تردجم‌می‌هل توژن قاندیق ماژوز تلولننلکی هوه‌قندیهو هنیه نرسه ملولم گنوس. تبومریلر هنایندی گنکه تگن‌گن‌گنچی «رفسودنامه»، «هؤماپونامه»، «گن‌کبغرامه» گون باشقا تسه‌رگه تقلید قابلنگان هیادا «بابورنامه» دم‌گنی‌تالگان. تببست‌تالدرکنی‌نی‌این‌نی‌که مچیل جایالننگ بشر قسمتی بابور هایات چبنندن نه اکنی بژین‌نن سهوی پر یارس تلما یاضا «ته‌بقاتی بابوری» دم گنی‌نگان. یهن بشر قسمی بابورنامه قم‌نی گهل‌دهن پی‌گم ۱۵۸۷ - یلی، یهنی کانسمنگکه توؤلومندن ۵۰ یل گنی‌نی پی‌بنن یاضا یان‌لیجه شنجر‌سی هابس‌کیدنی گنسر «هؤماپونامه» نهنی یاربیده تلودزولگان. کتابنامه‌ی قسمی نوپنیخی پیقا آلغان. بابورنامه پی‌میشجه ۱۵۲۹ یلی توؤنگن چیدبی‌نگا ویکن چه چکن وی توپنا بشر قسمتی چایلری کری‌یوپ که‌کن. برادرآی توپن‌چه قایتیا تولوقلاغان.
۱۵۵۵ - یملی هرمز ایون دادسمنک همسر نگره شرکه‌‌ی باغبانی تهیه‌کننده در تعلیم و تربیت کتابخانه و درگذشت، در بیشتر قرن‌های بعد و در بهبود نگهداری کتابخانه تلاش کرده‌اند.

۱۶۰۷ - یملی باب‌وناقه، مولف اولین بخشنده بیشماری از بیشماری از کتابخانه‌های بزرگ در پزشکی و تورمکردن. جاهانگیر ثریز ترجمه‌‌ی اولیه و تدریس در این زمینه به حمایت منجر می‌شود.

۱۸۱۳ - یملی خاطره‌ی باب‌وناقه در پزشکی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفاهای باغبانی و در تجربه شکوفر
«بابورنامه» نمک تؤوُرَنَامک ساری‌پِدا بی‌پَنْتلگِن بسر قلائی نوُسُخُنلرِی شِچِبِدن بِرگِه به‌قِت به‌ش نوُسُخُسِلَا مِلْؤُم. تَؤُلُاو یَپُگِه دِهلِدِسکِی مِللی مِؤُزِبیدا، لِوُنُیندِگِکی بْویوک برَتَبَنیه مِؤُزِبیدا، وْبِکْتُرِیه مْزریبی وُه تَبَلِبَرت مِؤُزِبیدا، مِئسکوُسکِی شَرِق خَلَقلَرِنْنَک دُؤُلِتَلک سِه‌نَک مِؤُزِبیدا سَاقِلَانِماقَنتا. کِپِینکی تْؤُج نوُسُخَا تْولِوق تْهَمْس. تْؤوُجِهِنْنَک قَفْش تْؤوُلّاکْتَقان کُورْنُوْشی تَسْوُرِلْنَگِک سُورَت فوُگْسُنْنَک بوُستَن سِه‌نَک مِؤُزِبیدا (تَامِبرِنکِدَا) سَاقِلَانِمْؤُنَدَوُ. یَپُگِه دِهلِدِسکِی مِللی مِؤُزِبیدا سَاقِلَانِمْؤُنَتْقان، تَبَخَی چَاب پْبَتَلْمْگِنْک قْوَلیما ۳۷۸ وْؤُرَاتْقَن شَبَارَت بوُلَوْب، تَؤِلِهنْنِگْک وُه تْؤوُئگْخَا هِبْقَانِدَق کُوْتْوُئْخَانْنَگْک تَامِغْسِسی پَسَسْلِمْگَن. تْؤُسْنگْدَا جُهَمَلی ۱۴۵ بَرْچ سُورَت بَر. پُوْلادَن ۵۴ بَرْچ سُورَت تَنْمَفْک تَیْگَنْدِه جَهَمَلی ۴۰ نَهْب رَسْسَمانْنَگْک تَمِّرَاسی بَر. ۵۵ بَرْچ سُورَتْهَنَه تَنْزَاْه یاکی تَهْبِسَلَتْلار بَایانی بَر. قَالْگانلَرِبِدِکی بوُندَاد تَهْبِسَلَتْلارِنی تْؤوُئَقْش قَیَسْن یاکی کیِسَلْگِنْدِه قَسِمِنْ بَزْوَلْعَان. ۱۱۶ - وْؤُرَاتْقَاتا تِبَیْتِلسُیْشِچ تْؤوُئگْدِکی سُورَتْهَ تَکْبِر هُؤُکْرُنْلْمْقَنْنَک ۴۲ - یَلْسی، یَهْنی ۱۵۹۸ - یَلْسی سَتْرِزْلِب پَتام بَولْعَان. قَوْلیاْزَمْسا سُورَتْهَ رُنْنَک ۱۸ بَرْچِمْسی رَگَنْل، قَالْگانلِرِ تَقَ قَارا رَهْگِده سَتْرِلَعَان. تَسْوُرِلْنَگْک هَاشْیَلْرِی مُؤُمَکْنِمْهَر زِیْچ کیِسَلْگِنْک. رَسْسَمَانْنَگْک تَنْسِسیم - شَهِرْبی پَسَسْلِمْگان. سَاقِلَانْنِپ قَالْگان تْاْشْوِ بِش تَوُسُخْدِدکی رَسَمْلَر ۱۵۹۸ - یَلْسی
پهلوی‌رخمه به میر قاسم خانزاده. «بابور نامه» گه تر ته‌کوب
مشبنگن مشهور رسام‌نامهان‌نامه‌ی خصوصی ده‌لوئت، کسی شه‌مکاران،
فرم‌روگارن، فروربخ، جه‌گنج‌نه‌ته، مان‌وه، مسروپ، مسکن، مهدب،
سه‌نله، شه‌کرجه دنی تعلغا بی‌لبش تؤوتش‌ به‌مکسکن. بولاردین کوه
ساندی‌کلری کبینبج مصهور رسام بولوه‌ی بی‌پنکن.

بابور هایات‌نامه کبین‌کبی کاغلقی

بابور تا ما تره‌بینت گنام تبروزنکه. گنا تره‌بینت
چگنگ‌زخاننکه قزلادی‌بور. شهوته‌بتتن ت‌نیک‌که تومور‌دیا
هم‌رکنی ظاهراً گه تؤوتش‌ا ظاهرسیاک شکنکی بی‌یوک
ئستبل‌چنکف قبینی ثاققان. بابور 1483 - یل 14 - فبئرالدا،
ئانسی تؤوتش شهیخ هرکآرلانق قزلغان برهان‌ده تؤوگلین. 
ئانسی قارا قسلغان چاغدا بابور بار - یوقی 11 پاشقا کرپه تؤت
ئای تؤوگلن‌نی. بو هفته‌ته «بابور نامه» ناه‌ک دسله‌به کورلی‌ک
مؤنداق کؤواهله به‌ریود: «سهوته‌ره کا‌ناتنکشاباًتسی گه
چاهر‌یار باسپه‌نامه‌ها همسمار بین‌نن سه‌شنیبک بوگن دلوم‌ن
بین‌نکه بشندا تاریخ سه‌کچریز تؤوتش‌ توقظردیا (یه‌نی
ملادی‌ته 1494 - یلی سی‌سی‌ندا) برهان‌نه ولاست‌ده تون شککی
پاشتا پادشاه بولودوم.»

بابور باشلمق قاغلقی‌کبی‌کبی‌کبی کووب چابا - مه‌دش‌می‌دیه گه
دکورایچ‌لی‌لنی‌لی باشتم کچ‌روشکه مچ‌جور بولودوم. تؤوژزن‌که
ئانی مراس مولکی هب‌سابلندی‌گن سهم‌رهندی شککی قبی‌کم
ئوژزن‌که بوی‌سنووردی گه شککی قبی‌کم قولد‌ن ببرپ قویدی.
بابوز سهرقهندی گلبنشتن کرگلی سوژوغاندن کبیس، چوچه کرد مکدکه که بایبلقلا را تولوپ تاشقان هندستانی بیلبشقا به باغلیهدو. ثو هندی دریاسدس کچب ثوتوپ به جایقا تو را قبیم توروش قلنددو. ثوچاغدا هندستاندکی شرکت - شرافتلا بابور ثوچون ناهایستی قولای عیدی. دبهلی هرودیاری سولتان ثوبراهم لودی ثوژنکان قانشتن قدولوقی ببلن ثوم دلارائی ثوریگه فارشي قلمبوالاندی. نتمیجهه ثوئر قانداق قلمب بولمسون ثوئنک‌هاروکرلاقدس قوئلوشندک سپیعا قوشکین. بیجاپنک ثوردوه تلک هاکمسی دودلخان لودي، ثو سولتاننکا نمؤر تونقمنی ثبلیم‌هشانینکا تچکپی ببلن، بابوز 1525 - یملی هندستانگا به ششینی قبیم توروش قلنددو. برآق ثورانکا هم شکمکسی ساقمن چنقدو. ثورانکا ثوچون بابوز کالدی ببلن شورانی بئر تردب قملشقا مهیچو، بولندو. دودلخان مغلليپیتهکه ثورچایدو (کوپ تونتيهی ثوللدو).
بهنجباب باور توچوئن قولای قولای چولینگا تائیلندی. شوننگدن کپیس تن دیهلغی چاراب یولغا چیقدوئن. باوبر توئئت قولینگل قاتنئق چایگدن کپیس بیتین هنندستانتی توئئگه بویسندوئرد. بابیرنکا توئئریم لمدلی بیلین غلبپ بارگان بسرنچی قاتنلیق چایگه هدنیاندیکی چایینه شهدری چوئردی 1526- یبل 21 - چاپریلدا یوز پیرورد. توئئریم جیهگه 100 مالک تسکری چوئ چاپنلنگن بیلمرنی قاتنلیقتوئرید. بابیرنکا قولینگلری سان چههتن ناهاییتی تا (12 مالک) لندی. برای توئئلر جیکلیرده چنینققان چوئ هدربی بیلمنی بوختا چیگلیگه لندی. توئئنکا توئئستیگه بابور تچبریلیک سمرکرده بولوئ. شو چاپنلنگا هننردار توچوئن ییتی چوئرل هیبلنگن داتی. توئئنکا داتققان قچققان تشککی قوماندانی توئنستای لندی بیلن موستابا تویچنلارغا باشچنلیق قلاتنی. توئئریم چوئ 15 مالک هنندی جهتییی کاشو چههتن هالاک بولوئی. بابور تولوق غلمبه قلدی. شوننگدن کپیس بابیرنکا توئئیلی هونیانی نه هدسبی چههتن سه سهته ته تشککنچی قوطیتلدا توریگن دانگه شهیرنی تشگیشی قلدی. تویه هئنگدی - توئئنگه س خنزنی. چوئملدن چاهنیا ییگانلوقی بیلیتن چییمردین چییمرگا تاراصلیب یوئرگن میشهور چوئرگه انیی. تعالیق تالسانتی قولغا چوئروری. شوئیداق قئلپ بابیر هنندستانتنک شاهنشاهی چوئ چوئرکن بابیرلیک دوئلیئنگنف تاساسنچی بولوئ کالدی. چوئ عاصلیه شریعی توچوئن هدربی نکرد. چوئ هدربی چاپنلنگا بردن کوموش تهگن تاراصلیب بیلرلیسی، دیپ کابولغا تادهیم تئوئنتی.
1527 - یلی‌بایران‌نامه، راجب‌نامه توسط پسر سامی. 

طبستان‌چغا توغرا که‌دا. راجب‌نامه همزی‌که راجب‌نامه راجب‌نامه. 

جسور هاکمی، "بی‌وز چه‌فرمانی" ماه‌شهر ران سنگه (رانا 

سانگا) بنشتی نقلتی. بابه‌پی‌مان سکری بین‌دستی کانی 

نالدی‌ها دولت‌نامه سپسی مسلسل کرول‌نامه قاتا. بابئ 

باشلا‌ندی. ران‌نامه تاچای‌په کنیا قاتا. بابئ 

قه‌چردنگه مورانگه قلبی: "نیز پوکوپا شیپانگ‌سی 

توپ توله‌گونه توله‌گونه" دگه‌همن ماندی‌سکی قاتی قی 

توله‌ناه ره‌لی‌دی. مون‌لیم کری‌سی کویمای‌چی، 

تاش‌لی‌دی - ده، بی‌نگ‌سین کپین مهی شی‌سلگه که‌ده بیردی 

(کپ کی‌پانکی کلوکتلازیمی مود تودی‌سگه گمل قی‌لگان). 

شوندوئشین کپین بابور قه‌سرلی‌ری شی‌گه شرده‌که کاتلی‌دی. 

توی یه زمین‌ری کوپ تونه مود بیردی. نه‌نجب‌مه تونه بیتی 

قاون‌لی‌لی‌نی بیر بلمین که‌مان قمت‌لی تاش‌لی‌دی. راجب‌نی‌لبر 

هم‌نگما با رده‌شیش بیره‌لی‌می‌قی‌لی‌دی یه‌نای‌می‌کوی‌لی‌ری جه‌ک 

میدان‌ناه‌ه‌لانه‌که بودی‌دی. ران قاجائی‌تی یه توبی‌لی‌بی‌خه - 

هم‌سکر تلوئدی کوپن کوپن که‌تین. 

بی‌چ‌گانه / بابران‌نامه ته‌هولی گژولات - کپ‌سک 

میسته‌که‌سله‌نگ‌نه‌نی‌دی. 1528 - یلی گژ‌مود‌دی‌کی ماه‌شور 

چه‌ندی‌بر راجب‌نی‌لبر قلنگ‌سینی شی‌شاهغل قپلدوی. قلئ‌ه 

هم‌یا‌چردنگه یه توله‌نامه که نیل، باچ‌سینی مسدنی رای‌نی 

قلئ‌چتن توله‌کوزنی. 1529 - یلی بابور بمه‌هارقا قارابی‌رودی، 

داوم قپلدوی. بی‌یرده هبل‌می‌تافغن‌لار ناهایتی کوچ‌لیک بولوی.
بابورنک شهوتی - پژوهش‌هایی

بابور — شش دگه مهندسی سوز بولوپ، «بابور» لقبی‌منی تالگان به کوشش‌های هفته‌های تن، نظری‌ها نوستی جمهوری ایلیق تاده‌م تندی. کپلشکن قودددی قابستیه هنرهایی کپچکلک، ثبیچکلک، چاققانلیک‌ها تونسک تالدگان گوندگانی بیوق تندی. تون قمینچنگارگا پسست قلمایتی. بولوپمو تؤچیلیقنا باتور تالگاندی. تؤ کوپکنی به ستلك گمک‌پ ثاده‌منی قولتوکلیپلیب نگره قتن‌سمنیک ثوستنده بیکروپ مینق قتلغلان. تؤ سو تؤوشکتر تاجای سم حشرت بولغان. ثو بیوک کانگ دریاسدن باشقا، بودا تؤچرگانلکی دورالارنکی هامسندن تئوربیک تئکنک. تونسک یپجمشی تمل، ثاهی‌گارد هدزین بسلن یبژیلگان ترجمی‌هایی (بابةولگانه) نی تؤقه‌فیندگ‌دا تایتوزناک بیدگیی ماهارانتساک نقدهر بیقه‌رلیفی، گوهقل. پاراستی و یهلیسمسنک نقدهر چوکچرلویقنا گواره بولوب فالمسر. بابور ته‌بگ‌تیه تؤ بیزمحمـه. مهشیریتی ناهایی‌تی یاخشی کوزه‌ارگتی. بولوپمو تاغلا، بیدرلار، باغلا، پیایقلارنی کورگمنده زوق. شوققا تولوب، تیلهلی قاییناب، خوئدی بولیبولگوییگا تاییلدیب فالانتی.
باپورنگ خوتوئلانگری ژه پهژه نتیم

باپور توئینک ابی قرائتی خوتوئلنگری تسمینی گه سلمتیلا توئنک. براق تونگک قزری گولب دهه نبگم باپورنگ باپری خوتوئلنگری ژه پهژه نتیم نسیمی نسیمی ساناب چنقدو. باپور بهش یاشکا کمرگن چاگدا کایشه سولتان نبگم بلن چیتپ قویولیدو. تونستگدن تؤوژولگان بهخرونونسا نسیمیلا قزری براییلیق بولگاندا مهوجه بولوپ قالددو. 1504 یلی باپور زینهب نبگم توئیلندو. تونستگدن توئیچ پهژه نتیم نسیمی براییلیق بولگاندا زینهب نبگم دینیادن ژوئدن. باپور 1506 یلی ماهیم نبگم توئینک ژوئلندو. توئیر خوتوئلنگری بهش پهژه نتیم توئینک. بولاردسن توئی کینچک چبغمدا ژوئلندو کپتندو. بحشنینسی هومایون بولوپ. ژو دادنستگنگ ژوئنگا نهخت ورئسی بولوپ. باپور
1507 - یلی مسومه بی‌گمگه همواین‌ندو. هُوُنِ المگن بهش پَرْهْزِن‌ت کُرِیدو. بْو*لا‌رِن‌ن تَوْنی‌چی کَماهْچ کُوْنتی‌ده کِبْتُن‌د. کَماه‌رَن‌ن بِلْلَنْن تَسْقَم‌ری کُبْسَنْ تَوْنی‌چی کُتَکِل‌نْری وَو هُوْكُورُن‌د. هُوْمِاْیْوْنْ تُرِی‌بْن‌دن قَهْتِلْی قَلْمِلْن‌دَن. بْاوُورِ دِلْلَدَن بِگِنْم تَسْتَمُلَک‌کِخُوْتْن‌دَن مَکْبْنْدَو نَتوْت قَمْزْ کُرِیدو. تَوْنی‌چی‌بِنْدَن هِنَدِلْنْن هُوْمِاْیْوْن بِلْلَنْن تَبْلیْک‌شْکِی جَریْاْن‌سَا جَدَاف مدِیان‌ن‌اْدَا هَلَاْک بُلْدَن‌د. تُلْلَؤْر بِوْلِسْا. بَالا چِبُغْدَا تَوْنی‌چی کُبْتُن‌د. قَنْزِلْرَنْن‌کِنْسَی تَوْنی‌کَنْسَچْه: گْوُلْرَؤْخ، گْوُلْرَؤْخ. کَوَلْجِهْرَه وَو گُوْلی‌ی‌دَن (بَوْ قَنْزِی «هُوْمِاْیْوْن‌نامه» نَنَک ثَابَتَوری).

بابِرُن‌نَک کُتْوُلِمَی

بابِرُن‌نامه» دَه مَؤْهْرِرْم تَبْیِین‌نَک 3 - کُنی (1529 - یل 7 - سِبْنَتْبَس) دَن بی‌بَشْوَاسی شَمْی مَؤْهْرام بَهْسِسْنِنگ تَبْگِرْن‌گه. بِابْی‌رَن‌ن کُهوْرُن‌چا کَدْلَگ‌نِنکی ثَیْبِتْلْغَن‌ان. بَوْ لَسِمرْدَه یِبِان قَلْمِلْن‌گان وَوهَقْلِرْنَک مَنْسَن‌بَرْیوْن. هُوْمِاْیْوْن‌نَک کَبْسَن 15 تَبْیِی تَوْرْنِسِدَا "هُوْمِاْیْوْن‌نامه" دَن قَنْسَن ۱۰ تَسْهِؤْرِلْرَن‌نی یِبِنگ بَوْلُؤْن هَمْمَکْن‌ن. ۱۵۳۰ - یِلْمِلْن‌ن کَرِت مَرْت تَبْیِیدا بِابْئِ بَلْرِد. قَایْتِش‌ن‌اْدَا دِبْلِمِلْن‌ن نَتْرِایِب‌دَا شَیْکَر باِهْنِسْی بِلْن تَبْکْنکی تَای تَوْرْنِئْبْ قَلْبِئِد. تَوْرْنِسِت تَبْیِیدا تَبْگِرْن‌گه قَایِتِب کَدْلَگ‌نَدَه. تَخَتَ وَؤْرِسی "هُوْمِاْیْوْن‌نامه" یِبِنْمَهْلَدَه تَبْگِر کَسْلِمْلَه موْبْنِلْا بِوْلِمْان‌لِقی هَقْنَدَه وَوْهُر کَلْمِلْدَن‌. هُوْمِاْیْوْن‌نی دَرْیا بَلَن تَبْگِرْن‌گه تَبْلِب کَلْمِلْدَن‌. بِابْزِر تَبْبَیْرِلْرِن‌اْدَا دَاْوْلِاشْرِمی کَر.
قبل‌یوپنارقان‌نامه کورب: «هم‌ماوین‌نامه نویسی‌رسالت‌ی جامع‌نامه‌ی گامه نوی» ناملیق تالاسی‌ی تکریی یولدا سدته‌ی قلمش هی‌قندی‌ی مسلم‌ه‌تلدرنی روت قلدیند. تو هومایون یانیان قدرت‌نامه‌ی تخت‌نامه‌ی تاج‌نامه‌ی نقل‌نامه‌ی: «ممنون‌کی بابوژ جامع‌نامه‌ی هومایوغنگا به‌خشنده قلدیند.» دم‌ی گوش قبتنم تکرار‌نیا‌ی. گؤلدیدن بی‌گماندن بی‌پریش‌چه شهوت‌نی‌دهن تاربت‌ه هومایوغن‌نامه‌یاهو ای‌هات‌نامه‌ی باشلاپ، بابوژنک مجهزی بیژن‌گر. بابوژ شهوت‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دهن‌نی‌دب‌ی نقل‌نامه‌ی بابوژ. براضی گرونه گویچ بولساز بابوژنک بولساز که‌شریف‌نامه‌ی یک‌پک‌کی بولساز.
دُونیاَوی مَدَشَهوُر گُهَسَر — «بَابوْرَنامَه»

خمَشَت تَوْمَر

ژه‌برنده‌ندین موْهَم‌مَه‌بد بابوْر (1530–1483) نسَفْ چُغازِای
تَلی بَلَن پِرْبِی قَلَدوْرَگان «بابوْرَنامَه» ناملِق تَسَلَّم‌سَی
ثُوْرُنفتَ نور گِلَمَسی قَمْمَتَی بَلَن دُونیاَوی مَدَشَهوُر گُهَسَر
قالَارَدِن ثُوْرُن فِلَبُِک کُلَّمَشَکه‌ت. گُهَسَرگِه بَرْبِلْگن «بابوْرَنامَه»
دَبْگِن بَجَن نام ثُوْرُنفتَ «ؤَاقْشَانه‌مَه»، تَوْزُکُی بَابوْری،
«ؤَاقْشَانیا بابوْری» دِبْگِن ناملِق بَلَن حَمَشَ قَُوْلَِنَمِبی
کِبَین بَر قَهَر ثُوْمَلِسُقان نامِدُور. بابوْرِنَتَ فْوُزْری بَجَسَرْنی
«ؤَهَقَابی» (ؤُهَقَلَهْ) دَبْثُ چُغازَان.

بابوْر تَاقَاسَق تَوْمَر کُلَّوَادِنْ بَولْوَب، ثانی‌سی تَوْمَر شَمیخ
مِرَزَا، تَوْنَاقِ ثانی‌سی تَبْهُی سَقْنَم میرَزَا، تَوْنَاقِ ثانی‌سی سَلَوْتَان
مَه‌هوُم میرَزَا، تَوْنَاقِ ثانی‌سی مِرَانِشاه میرَزَا، تَوْنَاقِ ثانی‌سی
تَاقَاسَق تَوْمَرَدور. بابوْر ثانی‌تُهَرِبَیتْنِم یِرِکَهْن خُانِلفَنَمِب
قُوْرَعْچَسی سَلَوْتَان سِقَدَخَانَ وَه مَدَشَهوُر «تَارِیخی رَشْمَدی»
نِبَک فَارغ‌چَسی میرَزَا هَمِید‌بَر بَلَن بَمِرْ نَهْوِر بَولْوَب. چُونَکی,
بابوْرِنَتَ ثانی‌سی قُوْتَلْوَق نِمَگَار خَانَم سَلَوْتَان سِقَدَخَانَمِب
تأنیسی سؤلاتان گهم‌دهیان، ممسرا هم‌هی در نبی نگارخانه‌ی هم‌مسی چاغاتای نولادی‌ندن یونس خانم‌نامه‌ی پاره‌ای بماند.

باب‌پور 1494 - یلی ۱۲ یاف واقع باتانسی تؤم‌مور شهیم مرسیرنک‌های تاسادیپی تؤلیپ کبتشی بسکن پرگاسه پادشاهی بولندو. بو بسر ترهبتن تؤم‌مور نسل‌سدن بولگان مرسیرنک‌های قراینسی تؤزلری درگل‌لب تؤرگان و‌رابای تلارد هؤ تؤزلرینی پادشاه دمپ جاکارلاپ. تؤزکارا زمین هؤ هاکم‌سیدن تالش‌ش جوگل‌ردینی تؤجگه چیقارغان، چاغاتای نسل‌سدن بولگان خانللار بؤرتسه‌تن پایدش‌نیب تؤز زیمننی کبکتیش تؤجگون تشرشمش‌قان، یهنا بسر ترهبتن تؤزبک خانن شپیناخن کؤندی - کونه زوربیب ممسرا هؤ خانللار قولدی‌کی زیمنلال‌گزا چاکس سبل‌سواتقین دؤور ثندی. یاش باب‌پور تخته‌چ ققش بسکن بسکن بی‌رگانه و‌بایننینی قوغنادا تؤجگون جنگه ناتل‌نشقا مه‌جیور بولندو. تؤم‌موریب سؤال‌سناونک بارچلاناغان دؤلتسمی قایت‌دن برلیکه که‌ل‌تؤرب، شهبی‌تناخن‌نا تاقاپل تؤروم تؤجگون بمل باغلمگان پاش باب‌پور یالگوژ به‌رگاننی موابینی قلبش بسکنن قالماستن تؤموریب سؤال‌سناونک قدیمی باپه‌بیت بولگان سه‌مره‌دندی نفلش بولندا هه‌نرکه تقلدیو. تؤ ۱۴۹۹ - یلی بسر قبتم، ۱۵۰۱ - یلی یهنا بسر قبتم سه‌مره‌دندی مشگال قلبش‌قا مؤدی‌بهم بولگان بولسنیو، لیکن بسرین‌چی قبتمدا بیرگان‌ده کسیان پوز به‌رگ‌تلبک سؤب بندن، شکننچی قبتمدا پاره‌ده مسر کلبش، شهبی‌تناخن‌غا ته‌ک کی‌مل‌دی چیکسپی قچشقا مه‌جیور بولندو. گاخردا، شهبی‌تناخن‌نک هؤجومی.
تولى مؤرخونه هرده بعثة دسمسبي تورالماي، 1504 - ينعي هندتقوش تاملبردين تومپ، كابول وه غوينتني تشغال قكلدو. تؤ كابول بادشاىي بولغاندن كيبنمنو دا اقامت تورده شيبانخان ببسالمان جايلارني قاينروفلش كريمتادا هيريك ققلدو. بابور 1506 - ينعي خوراسانها ببربى هرانتى زياردت ققلدو، هؤ سولتان هوسدن مزرندانك تورغلرنى ببرلهشتودى، برللكته شيبانخانه تاقابل توروشقا تورنو بابندى، لبيكن مؤهلالد يك بولالمايدو. هؤ 1511 - ينعي فسمانل شاهناف جايلارني قايلان بدرسه، بخاى ردهنله، تاشكند قاتارلر قايلانه تاجالن بولسمو، لبيكن شئه مزهوينك داهيسي فسمانل شاه بيلدن برلشكنلي، هيهذمان توروشكه ببندن هينابتا بولغانلبرق تاى جايلاندن هماييسه تيكي بولالمايدو، تانهر توروشكله تمرى بدين مغلنپ ققلندب 1519 - ينعي كابولغا قايتپ كبلندو.

هندتقوشانك شيمالدنزي تورغلريه، زمينايرلي، قاينروفلوش شيماليانس كابولناته هاكماده كور، هيندستانى توروش ققلدو تايانليندو، 1519 - بيلدن باشلاب برقلانه قبتم جبرك تارينب هيندستانك كورى يرلدنى شگليدو. 1526 - ينعي بيشنچى قبتمى 12 مناف كشولک قوشون بيلدن سنند دهرياسدين تومپ، بهينهته سولتانن تبراهيم لوديننک 100 مناف كشولک قوشونن تارمار ققلدب، بهلي هؤ تى گرتنى تشغال ققلدو، تارينلدنا 1527 - ينعي مارتنى كانو مهادا راتاننگا باچبلقندكي راى، هؤ راجه، هرنانک 100 مناف
کمشلک فرشونسی تارمار قلمدردو 1528 - یولیو 1529

بدلیلی یهنه بر رقاصه قبستانلی جیبیه غلبته غلبه قناعتی بوتون

شمالی هندرسانتینی تؤُزر تئدارسی نامتخا کرگوزیدو.

یهنه 1526 - بلدون نهگن لاما تیشغال قمللب تؤُزر نامغی
خؤتیه تؤُقهتوشی بلدون هندرسانتاین تاکی 1761 - یملنشه

سهندنیت نمؤبیه تاربختا "هندرسانت موقول تیمپرینیسی"-

ده تئاگلیا امرکربرینشیا قؤرُؤلغانلیقی جاکارلندو.

بابوؤ

بابوؤ بو تؤمسره تؤُزریناه 12 پیشندن باشلاب بوتوفری
دبگودهک جفاک وه هریبی یؤرُوش بلدون تؤُئکنن هوشبور تئنمسر
وه تؤُزرگرخصیان، بهزده نمنتاین جابایا، موشوشقه تئلک

هایاتندکی کهچؤرمشلرینی، تؤُزری داخل بولغان یاکی تؤُزری
بلدن مؤناسوهتلاب بولغان وقهلوهی، هیب - تؤیغیوه تیمریبه -

سادافقلرینة هپم کؤرگیه - بلگننلرینی بایان قمللدو.

باباینلار بابوؤردهک تؤُزر بیشندن نؤرُغون تئیلاری کهچؤرگن
بر مهشور پادشیاه وه هریبی قوماندان، شؤنیزفا یپتمگنن پر-

ندهبه وه هری تهربله کهوگری بململبل بسر شهسارنهای

باباینلری بولغانلیقی تؤچون بوتسیگر تؤتبیها تئاسیا، تافیانسانتان
وه هندرسانت قاتالریک چایلانکه شؤ دؤردنکی سیسیا

هؤزبنتی، نهجیماتی، سیاسیی وه هریبی تؤؤرملیکی، تؤؤر

شئلادبنن بولغان مسرزلارنکه، چاغانی تئؤلادبنن بولغان

خانلانکه، تؤُزریک خانی شهپامخاننکه، هندرسانتینکی

پادرشیاه وه هوکومدارنکه تؤهوالی، تؤلارنکه تؤُزرگارا
قانون‌خواهی‌ها و نظریه‌های عربی و یونانی به‌طور گسترده‌ای در تاریخ نظام‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پیشنهاد شده است. این نظریه‌ها در حقیقت نشان می‌دهند که باید به‌طور کلی به تغییرات در سیستم‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی توجه کرد. 

در زمینه قانون و حکومت، نظریه‌های عربی و یونانی می‌توانند به‌عنوان یکی از مؤثرترین مدل‌های فکری مطرح شوند. این نظریه‌ها درواقع نشان می‌دهند که قوانین و قلمروهای سیاسی باید بهترین استانداردهای انسانی و تفویض درآمده باشند. 

در شهرهای جدید و نوآورانه، نظریه‌های عربی و یونانی می‌توانند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مدل‌های فکری مطرح شوند. این نظریه‌ها درواقع نشان می‌دهند که قوانین و قلمروهای سیاسی باید بهترین استانداردهای انسانی و تفویض درآمده باشند.
قراره‌نامه مهم و بی‌ثباتی در نماینده‌بانی مطرح شده است. نماینده‌بانی که در نمایندگی ایران به‌طور کلی بطور مطلوب به‌وکالت ممکن است در روزنامه‌های گوناگون، بوسیله‌ی تحقیقات جامعه‌شناسی و سایر مطالعات در این زمینه به‌عنوان مقامی برای تأثیرگذاری بر صنایع و تجاری به‌کار رفته‌اند.

تأثیرگذاری نماینده‌بانی ممکن است در نتیجه‌ی این تحقیقات، در صنایع و تجاری بتواند به‌عنوان مقامی برای تأثیرگذاری بر صنایع و تجاری به‌کار رفته‌اند.
شخسی نه تطقت قلمب‌دنگا مؤَّفی‌بدق باها ببرشتنم بیلبغوسی بر یان براتریال هیسابمیدنی. 
"باب‌ورنامه" ژور دهوئی تُچون ژتی‌قاتاندا بی‌وَته‌‌یِ بی‌جَتی‌ بیر خلل تُجسُلبتا یپژلگان چوک هجویم‌گا هسِری گسِر بولوش بِلْمن چاگاتای تَدبه‌ی‌باتی تاربختیدمِ مْوهم تُروئندا تُرژوندو. بوشْرده شو دهوئر چَمسُرلريدیه دَدام چُوئژلدنگان هس‌ده‌شيم‌تالک شبندر، تکه‌لوئلوق تسورُه چُوشْشنتش تس بولغان تُبَغر چُوئژلدنگان چوْهوچبسی‌‌نو دِلی. چُوْجوئژلدنگان تُوُغْلی هماونوْنتا یازان بیر بارچه خبْتیه‌ه چوْهوچبسی‌‌نو چَروتی تکه‌لوئلوق بِلْمن پاسیم‌ن دِب‌َهم‌نی چوْهوچبسی‌‌کْسُر قُلْمب‌قُویدُدنگان شایستنی هجویم‌گا بِلْمن تسپردُب‌ده چوْهوچبسی‌‌نو چَروتی سَاده‌سا سُرلره بِلْمن پيرشْقا تُردُده‌دو. 
"باب‌ورنامه" چاگاتای تَلی چُوئژستدکی چَللُمی تُتوقِقَنتُنْمُو بَنتِ‌ی‌نْمُو قُمشْته‌لک ماتریالار بِلْمن تسملْی‌بدُدو. تُسر چُمَکانی‌ه‌تنْک بارچه‌چ جاْنلَق تُلغُنا یپِئنلاش‌تُروئی بیبلغَانلْمِقِ قُجْوْن چوْهوچَسْن شَوُد هَردیکی تَده‌بِی تِلْغا ئاسِس بولگان جاْنلَق تُل کَمَلَلْرِنلی کوْپْلِه‌ب چوْجرت‌تالیم‌یمُز باشقا مِنْبَهل‌رِدن ئاسِس تابقتلی بولمایدنگان بوّ ماتریالار چاگاتای تسملْساف چوْجوگه خَاس چوْهوچَسْنی‌تَلْرِنلی چْجَب بِرِشْتی بَنت‌ی‌نْمُو زِوُر هِهمیه‌ی‌ه‌کْه چَنگه. بولْوْمْی‌بو قُمشْته‌لک یپرِی شِخْکی، بابْور بوّ تُسرِرده نُؤَئی‌ه‌دی چَمسُرلریده قُوئِلْنِلْگان تسملْساف شوّ چاگادکی چَنْجُن چَهال‌سَمْنِلْگان تلْغا چوْجوگه کُبلْد‌گانلْمِقِنْه‌ت قُجْوْن یازاندو. بوّ نوقِتا چاگاتای تَده‌بِی
تلمکه‌ها خارکت‌برنی یا تلمکه‌های قایسی تسل. قایسی داستان کتاب "اساس‌الدین شکرالله‌خان گنبدکی" نسخه‌ای از ادبیات ترجمه به انگلیسی بود.

"باب‌ورنامه" گوئترارا ثانیسا، تافاغانستان، هندستان و... تهران قاتاریتی جولارنامه ترجمه گردیده گندرآ گفت همه هر تهیه‌مکه به‌هوا تقویتی تلیمی و تحقیقاتی مول هم شدن‌چیک بولگان یا دریچی قبول ماتیریال بدلن. تعلیم‌پذیران تهیه‌مکه سر برای پولیمنیک گوئچون، تالیب‌پورونیا دوینیاپیک شرکت‌نشیتی گالمارنامه دیقتنینی قوزش‌پا، تؤلر نامه و تهیه‌مکه فرکاتیکن. تؤرگونلی گالمارا تمؤنی تن‌مکه قلمگان روز تألیم "بابورنامه" گه بام گاه بیره. تؤنی "اساس‌الدینی تهسرلر تهمجده برمین‌بیری بوله‌سیمها. گالف کبستنی" دمچ تیپلیده. سوئیت گنتن‌پاچی تالیمی شرکت کا تؤنی "مینسکلوپدریه خارکت‌برنیه گوئصر" دهد. "فسققلچه برنانیه مینسکلوپدیپیسی" ده تؤنگعا "دؤنیاوق مه‌شور ئورفس" دبگن باها بیرلیده.

"باب‌ورنامه" تبسکت‌سنای نشر قلم‌بکا نگکی خدال نسخه‌گی بولون، بیره قازان نسخه‌کی، یهنه بیره هیدر تاباد نسخه‌گی. قازان نسخه‌سنای ن. قلی‌مینسکی بؤخارادن تبلیغان بیر قولی‌ارزیگا گاساسن 1857 - یلی قازاندا نشر قلم‌بکا گه. هیدر تاباد نسخه‌سنای قلم‌بکلیک گه. بؤخرخ هیدر ثابادن تبلیغان بیر قولی‌ارزیگا بوچیه 1905 - یلی لوندوکا سؤرتکه ثلبش تؤسؤیی بدلن گهیین نشر قلم‌بکا.
بو نوسخا 382 واقع (764 هبیت) کابلدو. گی. بایردوخ. بو گیسدنکه
یهنه برقانی قولیاردنسری نیبرنگان بولسیمو. لبکن تولارنگا
بسری بولسیا بهکم تولوقسمز. یهنه بسری بولسیا بهکم خاراب
شکنلکنی یازدو. بو گیسدنکه یهنه تاشکندنته یوغسیک
نهش قلمینیق نوسخسیمک بار.
گیسدنکه هر خیر ته رجبیلی نیگه کلسیک. بو گیسدر
همبستان موسوئل شیپیریپسیسیانا دسلپکی چاغلریبلغا
پارسیخا ترجمه قلمینکی یه برموقیچه زیندنیتلگا. رسمیلی
نوسخسیغ قلمینیق 1826 - یلی پارسیخا ترجمه قلمینکه
تاساسن تنگلزیجا گه. 1828 - یلی تنگلزچه ترجمه قلمینکه
تاساسن گیبرمانچینغا. 1871 - یلی قازان نوسخسیغ تاساسن
فرانسیسچینغا ترجمه قلمینکه. 1921 - یلی تنگلزچه
ترجمه قلمینکه مولسیلغن یپیگی نوسخسی نهش قلمینکی. یه
22 - یلی ث. بایردوخ توریپسند هیدیر گیفونو
نوسخسیغ تاساسن. 1940 - یلی
تدرکیه گیسدنکه تترکیبی نکی زاکریه توریپسند هیدیر گیفون
نوسخسیغ تاساسن تدرکیه توریپسندی قلمینکی. یه
1987 - یلی "وهقاگ" دبگن رسمی نام هم "بابور خاتراتی" دبگن قوشمونچه نام بیلدن قایتا نهش قلمینکی. 1960 - یلی
روسیکا ترجمه قلمینکی. بو گیسدنکه هازبرقی زایمان قیخور
تلنیمکی تدرکیپسی پیچر توریپسند مکشلیب نهشراه.
پرلندی، پات گاردا مسلسل‌ناریه‌تر مبارزه‌ی شریعتی در مدعی بخش قلی‌نگوسی.

شونسی ناهاشتی تیپناقلشعی، قم‌دهه‌ی مهل تاریخی
بوغاز قلم‌نگوئانقان باپانلازماک هجری‌یه ۹۰۸ - ملی تاخر گرهی‌ه
وه هجری‌ه ۹۲۶ - ملی سن‌ه چی‌بندی ۹۳۲ - ملی کرکه
بین‌می‌بینیه بولگان قنسسملاری ثؤکسؤک هالته‌یه. بولگان‌ب
همجمعی قوشقاًدا، باپنورنک ۳۶ ملدن ثارتبؤق واقعتنکی
کچواشلری پنی وئز چچنگه تیبلشقا تیگمنسناک پن کهسرنک
۱۸ ملدن ثارتبؤق واقعتیا دائر قسمنی ثؤکسؤک بولگان پونددؤ.
پن ثؤکسؤک قنسسملار. بولیمو ۹۱۴ - ملی پنشدن ۹۲۴ - مل
ئامل می‌بینیه بولگان ثؤکسؤک قسمنی تویرلولق تنطقنتیچیلا
نچنده بیشقوچینه بهزی مولاهزبلد بولیمو. لبکن کهسننک
دمل‌جه کوچیرینسناک تاسادبی‌ی بیر زیانیا ثؤچریشی بیلدن
ثؤننک وقیرترینی قنسسملرنی یوقهلپک کی تنکن، دگه‌ن پرهز
ناسی ثؤرئندا ثؤیرتی. گیسیرننک پن ثؤکسؤک قنسسمنگا دائیر
وئقه‌ه‌ی کره مسؤنی ثؤسرینک بهزی باپنلازماک ون «هؤماپنیامه»،
"تاربخی راه‌نی‌ی" قاتارلیق مسؤنیه تلاک گیسیرنگه تاساسن
بیلبکینه تویچرک کپلدنو.
بابور روبانیلسری

همچنان که م.Unique text from the image.

همه‌مانی‌کنی، تا مسکنی جانانه گمشش.
ثاندا پرهیز پس‌مینگه دیوانه گمشش.
ثُول خویه به‌یدور درچه مولازم‌می‌ساهم.
ثَلیق‌سنگ‌کنی هپا اژه‌نی گمشش.

یا قهره‌زه گه‌زار برمه مبنی تؤفرق قُسل.
یا بهره‌ی گمانادگه مؤسَمم‌قرقل.
یاراد، ساگادور پوزروم قارا، خاوه ثاق قسل.
هر نیؤئئی سبناک ره‌زاره تَژْرُر، ثانداق قسل.

ته‌هبابه‌ه سالاساک گوُرُر، ثُی ثُلل، ناگاه.
ئول جمهوری بو سؤزمدن گه‌تکل ثاگاه.
سِنز کُوزِگن‌ندِهٔ ثِبسَن - سَلَمِه تِئَرُر بَرَز.
سِنز داغی ثِبَسَن بولگیسَز، نِنشاَئلالاَه.
جانبه مبنای هیاتی جانم سنسدن
جهنمده مبنای روزی رؤیانم سنسدن.
بابزوری سینگهک تورگه یوق یاروئنژنیزی،
ئله قمسکی، ئؤمری جاویدانم سنسدن.

ئه گول، نه ئوچون قاوشگه مهن خار گولدوئم،
یوز مسهنئوئ گنوده بله یار گولدوئم.
ئوهسلک بله بسیار سهئوئند مئئؤئمال.
یهچربئک بله ثاقبیت گریفتار گولدوئم.

مهن نچچه جهفاوئ جهوریگه سهبر گبتهی،
بهر زهرئر ئوئفاوئ مسهر یوق سئنده، نپتئی.
چون باشئم تایاغمگه قویارغه یاراماس،
باشئمنی تالاب پتایاغ پیتگنچه کبتهی.

یاد گهتمس گممش کششنه کششوئی گوئریمه ته کششی،
شاد گهتمس گممش کؤتغلئنی مسنهئته کششی.
کؤتغلئم بوئ گریبلقده شاد گولمئادی، تاه.
غوئریمه ته سئوئنمش گممش گلبهئته کششی.

کؤتغلئم تنلهگه مئئراگنه یهتشه کششی،
یا بارچه مئئرالارئنی تهراق گئتسه کششی.
بوضیشکی ترش مولوی‌سیر تولیتوسن تالهمدی
باشتوئی تالیب بطر سارگه که‌تسه کمشی.

امز تئیله، سه‌بی، گولکی گوئیلدی خندیانسیمغه،
نی گولکی، فیرایشکت ماهی تابانسیمغه.
به‌تکل ده‌ی غی نماشی‌بیلکه، بابوئدی،
زننهار دیگل سلام توافقانسیمغه.

تأوئارامیق هسروئ خانوماندس یاخشی,
بطر گوئشی مانکی تاکی جهانیت یاخشی.
تأوئارامیق بولوئشینی یاخشی تبرمس دبهمک،
بولسام گوئیئ تؤوئاره نی گانن یاخشی.

رهفتاریئه یقه‌دهیش رهؤانسی سده‌قه.
بطر باقیششیمتسکی جهانیسی سده‌قه.
تأخژیئه بیلکه بیوئئ نابودیم سه‌ره.
کوئینیئه‌ی له‌بیه جسمئوجانسی سده‌قه.

مهیخانسی ساری گوئزه، تی یان، قیلیمی،
تشرت تؤسیئی کوئلیئی گه‌زیان قیلیمی.
زولفیک کوهی کوئکلیوئینی پدرشان تئیلیب،
له‌لیکه کوئی باغیرمینی توهلیا قیلیمی.
بُر دهه تُرا گُرُت مه‌تُسَمَاله بُلُوسَا،
سُنده گُه ماهْتَا یارِه لاتُوبَلُی بُلُوسَا.
تُولِه یار بِسی نازوکُو یوک مِن‌ندِه نه‌ده‌پ،
مِن‌ندُن نِی گُه‌بُه نه‌گُر مِن‌لُی بُلُوسَا.

بَقَی‌م‌دهم‌ندُ جَرایب سِیمسَم تَرم‌هِسِند.
هم مَال ییم‌شَتُوزِر لِشَم تَرم‌هِسِند.
کاپُلُده طُقَامُه تِه‌تَی بابُور دَرِسَر.
ثانِد‌اق دِم‌هَرژُلُکی، مَؤَقم تَرم‌هِسِند.

زُولُفسِغا کُرَگُول قویبُوب بِدِرِشان بُلدُوُم،
کْوُر تُالدْرُوبان یُؤزِنجُه هُهِبران بُلدُوُم.
چَسن دِی سَافَا، بابُورکَی، تَاشِقَلِمْدَه،
هَهِر نَبکی قَلِسَبْ تُندِسُم پَوْشِه‌یمُان بُلدُوُم.

تَه‌هِبَاب، یم‌غَلِمانِقَتی فَرَاغَه تَوْتُوشَنِ.
جَمْعِی‌تُشَمْجُر بَارِنُی دُولُهُت تَوْتُوشَنِ.
چَوْن گُرِیدْشی چَهَرْ خُوُرُؤُر، تَفْگَری تَوْجُونِ،
بَرَرَ بَرِبُرِی نِیچَه کُون‌هُه غَنِسِمَه تَوْتُوشَنِ.

بَرَر زُولُفسِدَن، تِه‌ی کُرَگُول، پِدرِشان بُلُومَا.
بَرَر یُؤزِنجُه هَم تَسرِؤِر زُارُو هُهِبران بُلُومَا.
ممن ساخته دمکنی، تهرکی انشق گم. لبکن،
تانداق قلمکس، سوگر، پوشش مان بولما.

تهبباغه هدر خمکی، سبیاد تختگی‌پس.
بنزین داغن گون بستکده یاد تختگی‌پس.
مه سرسکدکی، قاضد تُگر چسپه بیسی هی.
بر نامه بمله کوه‌گولنی شاد تختگی‌پس.

کوچوی تخبی پر بوژندن مسیوومر بولدی.
پر بوژمه بمله کوه‌گول موهوومر بولدی.
پر بوژر شوکرکی، بابور کهی چاپسی‌برده.
هر نبکی تملق تنمید، مسیسی بولدی.

روهم یاراپی گنداک بهتافت برقله.
قلشک تختا تنمنه همراه تافهت برقله.
روهمی‌من چرب تن ثویگه کهئندروژک پاک.
مئدن باری چپلتم بهسافه برقله.

غریبیت توغی یابمان روخی زانده مسیووم دی.
یا هضرت چمگارگان چهی سارده مسیووم دی؟
هالماک ها دیروژر بملورموس مسیووم دی.
هالماک سوساییو، بیقوس مسیووم دی؟
بابورنی بیورن مهدی‌می ره‌ساز گیتگذاری ج‌تگذار.

وه‌سل‌سگ‌نه بیورن بیورن گیزه یار گیتگذار.

تاخیر باردارگه دایی دای گه‌ساز گیتگذار.

هنگرگاه تهلی‌می بیله‌ گریف‌گدار گیتگذار.

یؤرگذار بیله له بیل‌رینگ یؤرگذار گول گولدگه.

باقلی یؤرگذار قالی‌لدی یؤرگذار گول قولدگه.

بابور ک‌بی ترف‌سی‌دن دهم توپ‌اپ‌گدار شدیدم.

نی گول، مبینی ناشف‌گذار نه‌لیدی بولبولدگه.

نی یار، سبناک وه‌سل‌سگ‌هنه یه‌تم‌هک مؤن‌سگ‌هک.

فرخ‌هندی‌ه هد‌ب‌س‌گ‌ه ترف‌سی‌هک مؤن‌سگ‌هک.

تشرش‌گذاری دایی به‌راره‌فی ترف‌سی‌هک مؤن‌سگ‌هک.

باشنی رال‌سال ه‌هاراتی که‌تامه که‌تامه مؤن‌سگ‌هک.

نؤز ثؤیپ‌سدن بوره زمان ثایلگسل.

گولدگه ک‌ولول‌پ، یدی غونق‌ه ده‌جان، ثایلگسل.

که‌تامه که‌تامه که‌تامه قاپ چپ چپ، یدی یار.

چگ‌ه‌دی‌زرور گولد نؤازریش قی‌لگسل.

که‌ل‌دن ساقه یؤز ثؤیپ‌سد بیله، یهی مااه.

لپکن یاد‌سدن یؤر‌گذاری کورم‌هی یؤر گاه.
همسوله‌ی همدانی نبته یوپی،
دردبان ماکا همسوله‌ی به شقق همراه.

بابور موتوره جگه‌ی خلوسا له‌گهر ساری‌گه.
قلعه‌نزوئه به شکسته‌که کهسار ساری‌گه.
سندین تله‌گومدور مهده‌د، ثبی شاه غیاس،
هر و‌هقتسکی گهر غلبه‌سم هدر ساری‌گه.

ئی‌کم، مائیذا موجد یو دره‌کا یول قاندن.
قلیدان مبنی تاراده غمی‌ه‌هجران‌دن.
بی‌موجودق نی نه‌ئی سفته قلی‌ایسدن،
گویک زنده یو هره‌کا یول‌ککه قاندن.

ئی‌کم، یارالق جنس‌سمه مدرهم سنسن.
مجرکه که‌که‌گه نه‌کردیم ههم سنسن.
گه‌ه شادو‌گه‌هی غم‌کن ی‌بسم ویب ههمه،
که، پای‌سی‌شادمان‌لغو غم سنسن.

خانم‌ره خوئن‌ه یوتئی بوسر ساک‌لا ئی‌خی،
ئایتای سه‌ئا سین قولان سالبپ ناشفلا ئی‌خی.
ئومرکنی بوکون خوش کچور چه‌ه‌باب یول‌که.
تابش‌ماغ‌سودورئوسکی یولوپ کون ناشفلا ئی‌خی.
بدهدر ههبب بلجمهدى دوکردنى،
تؤفرائقى کۆرمەدى روەنى زەوەدەنی.
مهەندەندە نەچە کۆرگەندە غەوەرەی بەلەگایی،
کەتەکەی مانان، ژەمەدی تابەمەگای گەدرەدنى.

قایعەوەنی قەچە - قەچە قاربەرەنە بەبۆر،
رەھەم ژەیەکەی، تەوەزنەن بابۆردەن بەبۆر.
نارەنج یۆبرەنە سەطەکە سەمە بەلگەیەسەن،
یەگەنسەن بۆ ژەوەئە سارگەرەپەدەن بەبۆر.

دۆشمەننسەن بۆ دەهەر زەبەردەست قەڵۆر،
نەخەوەت مەبەدەن بەر نەچە کۆن مەست قەڵۆر.
بەم ژێمهەکەی، یەکەرەسە باشەسە کۆزەکەی،
تاکەر یەنەن یەر کەبی ژانە دەئەبەست قەڵۆر.

هەوسەن ژەهەڵەخ زارە مەبەتەڵا کۆز ژۆرمەش،
جانە شەلە کۆژەلەمگە بەڵە کۆز ژۆرمەش.
فەمەن ژەیەکەم ژەمەدی، بابۆرا، گەش ژەچەرە،
کۆزەمەنی قەڵارتقان قارا کۆز ژۆرمەش.

تا ئەداشی ژەمەنەکە قەڵەسەنەدە ژەنەزەل،
سەرەتە شەلە گەچە قەرەوەمەن بەسەدیلا.
هللاهکی، یهی پاره، سبناک یادبرده،
بره هژه‌هی بسه زمانه یهسفمن غافل.

شکنانه کوچول خرایندور، مبن نه قسای؟
هجریگنه کورن پور‌تادور، مبن نه قسای؟
جسنسم نیارا پیچوتسپندور، مبن نه قسای؟
جاننمده کوپ گرزتسرادور، مبن نه قسای؟

سمن نانده فهراگو گیشورگشهرت برده،
مبن مؤنده فمراقو رنجومسهنهت برده.
تسترمرنن تورزم برده سبنا نقشقلبی،
خورهند‌بولورمن گوشی پئورهت برده.

مئرتبکی توننی هنر کنشی گوش قسلور،
جان برده کوستونی زارو مدقوش قسلور.
مهقوس نسسکری تاگتنی یاد ثتکنده،
ئول دایره‌ده بصنی فهراموش قسلور.

نققاش مبنانک هالمسه تده بده‌تکل،
بهر یاغلمغ نارا کتشده ته‌هر قصد تکل.
ئول سفه‌دهد مبن خدیال قسلان یاغلمغ.
ئول پاره موسکلمانی ته‌قد نده تکل.
یار یاغلمغدسن کوُگُلونی خوْرسند گه تسم،
روهُم قولشمنی تاری بمله بهند گه تسم.
کوُگُلونی نی نهُدی توزهی توْول یاغلمغدسن،
جان رَسته سنی تاریخه بهوئنده گه تسم.

بابور، نچه بُدُد هر مبنی زار گیلهر،
سه برمنی کهؤ غممعنی بسیار گیلهر.
تا دَد هرُدور زُدُور تانمک رَسُمسکم،
تاَرُبچ کشمینی گُرزیدن خار گیلهر.

هَجری تارا گاراموه قرارمی یوقُتُور،
وُسلُنِه بیدَرگه نَخستِپارم یوقُتُور.
کسمِه فَچاَیسن رازکی، یوق مَهرُمی راز،
غمه کسمِه دبیئنکی، غمه گَرِوزَرم یوقُتُور.

هنجران ثَدها یاد ثبَتِب مبنی شاد ثَتَتی،
مه گُرِوز کوُگُلونی غمِدن گاراد گه تسمی.
نی لوذت نسیم تول هوری بهریزد تختی،
گویاکی بوزوق کهیشمی گاباد تختی.

هجرگهنه نی قم فالدنشی، یوتامیدورمن،
کوش پاشنده هور لههه قوروتمایدویورمن.
دندانگشکه هقهقشی، نهی بوزی قویاش،
تکری هقهقی، بسر زروره ثانوتمایدویورمن.

طولکم کافا تاله میتی پیویتون،
دهلمکی ببری کبیوره راغب بیویتون.
دبیمکی بوز سوز راست گمهسدور، نبگهکم.
تالبب نه تسله تاندمکی، تالبب بیویتون.

هنجران هارا یاد تبتن مبین شاد ثیله،
مههجر کوژگولنی غمدن گازاد ثیله.
بوز ختنی ثانیک ثوپون بستغم مونده.
کوژگن سایی ختشمنی، مبینی یاد ثیله.

ثور بوزی قویاشکی، باردوش ثایدن ثفنزون.
هورسین میج هورئ ثائی ثالشده خورشید زهبون.
تا بسر کون تول ثایدن نهوارش ثابقای.
کوژ داییره بولدیسیج جهلاجمل ثایو کون.
تا بولگالی دلدار گو شول، ما فاکا.
هلسمی تلک گوچله بهوای مفکرا.
من نگرسو خسرو بیار کوپ مهسته غنی،
ئهی وای مافا، وای مافا، وای مافا.

سپنده بیله مهندی، گاهنالغ قلیامد.
گشقنی هزین جانگه بهلالغ قلیامد.
کوپمی، نهمی مبین ژوهافاسر ده‌بسین،
من ساهنا نی نهوئی بهفوالمغ قلیامد؟

ئول خهتکی، گانده سبندی مسین یاد ژتهکیدیمن.
کرو زامنده کاشکی سه‌سوا ژتهکیدیمن.
کریکرمه‌دن تاگا قهلم راست قلیامه.
کرو قراصد‌دن تاگا مداد ژتهکیدیمن.

یوز نامه‌ش ژشستیاق تهسر بر ژتنتیم.
یوز نهوئی بسلخ ووهسلگه ته‌بار ژتنتیم.
مه‌زور توت، تهی قویاشکی، تاله‌ک یوقسد.
وهسلگه یبته مه‌اهلده ته‌مریسم ژتنتیم.

ئهی کم، تاله‌م شاه‌را شاهی سوستن،
بمؤسسیت مه‌نژوری سلالة مه‌سپستن.
سمن بارسن کمکه گلتهی، وی شاه، بهنه، چون بارچه جهان گلبی بهناهی سهنسن.

ناسمه سوزی نبچه ساختا مدرود ظولگای،
یا خشیجی یامان قاشگیه نابود ظولگای.
باری همدمی مهاتش بسر نؤمئ تهکمن،
حق رازیی تعکری گلی خوشنوئ ظولگای.

بولدوئ مهن تاشوئتمه هیران مدرود،
قلمل مهدئدی، بولدی تیمکان نابود.
دوئی بیله تؤقبه رؤجئئوم سافادور،
ئهئ تنکه جهانیه که شاهی سولتان مهسوم.

وئسغئئنی نبچه ظولوئسدن تستشتمه،
نی نؤمئی قلبی وؤسالیه یهتهکمن.
گه وئس ملیه مسیر ظولومئه نبتکمیه،
باشمکن ناملب بسر ساریه که تسکماتین.

نامهچکی، تمکلکسک نشانی تبردی،
هر سهتره همیاتی جاودانی تبردی.
هر لهبزیده تاشکار یوز همرئی ؤهفا،
هر هدرفبده یوز مهربانی تبردی.
جانا. بستکنگی بولدی مهرقوم مافا.
سهمهته بولدی گردشی قرلدنی مهگدم مافا.
کورگچه ثانی گرچه شاد بهه بولدوم،
مهرمینی ظهوری ظلومادی مهگلوم مافا.

خستهته بولدی کورگچه کنگی گرسال ظتنکی
قاییگو بولدی سهمهتسنی پامال ظتنکی.
ئول خدت بولدی خاتربرنمی خورسند ظهلیب.
بئو کورگچه کنلی کورگولنی خوشهال ظتنکی.

هنجراندا ساغننب مینی شاد ظتهکیسیه.
مئن خستینی مؤخلس ثبتئیق ظتهکیسیه.
بئو خشتینی ثانیاک ظئوجئن بستئیم مئنده.
کورگچه بئو خهتسنی، یاد ظتهکیسیه.

هنجرنه، هبای، نهنتینی فهلککه گامه.
گئر تئول ساری بارساف بئوئژور دلخاهه.
کمئم تئری دئوئا نئیاز ظله قئلیاییسیه.
گئر سوره مئن خستینی کورلرخ گامه.

کورلرخ تئمهکی ظسال ظمسهکه بولدیم.
ئول ظسال داغی بههال ظمسهکه بولدیم.
هر قانداکی بولسه مهرباندوزن دهند. 
دول داغی خسته خانمی مشکن بدلند.

ئشتهر باری کوکلیشه که ده بولغوسدرس.
ئشتهر باری بویرلغوسدرس.
ئشتهر باری خاله دولت درک بدلند.
ئشتهر باری له بعیج. خاله دس دولت تولغمسدرس.

یکلار تلهمب نشنتی قایو ساخلااب تؤردوم.
یوز جهت بنة نشنتی مچکا یتکوردو.
مهرداره بول. نمدمای اخشندرس نش کبلهی.
تکنیگ سبی ، نبلنا سافا تابشدور.

ئشبابی هسه هسزوگ بوئنؤاک تؤخشار.
بنگنیلاک طمنماریس تؤننؤاک تؤخشار.
برد داغی ساگنیمادن بو فورسته مبین.
مهم خستهی، نیی بار، توئننؤاک تؤخشار.

ئشبابی هسه دکی، دوئنیادن دوزن تولگای.
ئشمار سهوریبدن کمیش مهجرز تولگای.
دائم کرویجی نیوزن تئلا رهسی هسورد.
هر کسم کوره ثالمسه، کوری کور تولگای.
هر کونه یوزفگنی کورمک دبرور هدفم.
هر نبچه سانگاه خیالبدور همه‌هامیم.
نیسا دمی‌دن روه دبرور جسمانم.
سپناک ساربندن پهیام کهل‌توره‌نهسم.

وهسلگنی تلمب‌نهچه‌سیبادئن بدلیم.
کملگنی، قویونده‌اک باشکه‌گنوش‌لیم.
گر کله‌سماک، دست‌سماک مبنی خزم‌تیم.
باشمنی قه‌دهم قلب‌ه‌مه‌ده‌مه‌کبلیم.

جان ولی آب‌رور لتلی شکر بارنگه.
کوت‌نگمه هم دبرور خراب روح‌سارنگه.
گوشتارگه کبرور باشدن تایاق بارچه‌سی خوب.
مهم به‌ننده بوایی باشتنن تایاق بارنگه.

هوسنگنی سبانگ، شههرئی تفافک ولی.
جان برهه‌ه‌وهسلگه منشتاق ولی.
تهجیرگه تارا گستن‌زار هدیدن گاشتی.
کهل یا مبنی نسته‌تاق‌تم تاق ولی.

نیککم، یاساسان یوزفگنی یوزفاششنه تئتنگ.
فورقته تئلی‌منی مانگا جاوتند تئتنگ.
من سبیل دیدم، سه نوژگری قتلده‌گاه یاد،
نؤومود ثولغل، چون منی نؤومود ته‌ستک.

همامکی، قللدم کوژک‌زکم، تهمام.
تخشاتی تانسک باری مشی مانگا ته‌مام.
کوژ پاشیک، کوژکول چوی برل، مه‌ندین.
گولچه‌رهل، ته‌سته‌بان یوزیدور هیمام.

همامکی، گرک چیگنده به‌یدا قللدم.
ساغنمکی، سؤدندن ته‌بروا قللدم.
سورد کوژیک، ته‌سموکم، بوه تهدیم بله.
پاک‌زه به‌ره‌نلری، ته‌ماشا قللدم.

هیر کم، دبیه بوژن، یا ته‌گر تاهکلا مبند.
کوژکه موسایمو، موهسم تاهکلا مبند.
بیکون منی، یاد تیم‌سی، ثونوته تاهکلا.
زنکارکی، کوژ توت، تؤشیک کوژن تاهکلا مبند.

ئه‌پرک کوژ، یه‌مطم جوره‌تو هیممته سرگه.
روزی قلغمای خودایی، نؤزرخ، سرگه.
میرانل‌گرگ‌زندی، باری چه ته‌لی مبندی.
رهمه‌ت سرگه، هزار روهمه‌ت سرگه.
یاتلارنی کبیرکی، گاشنا کم قفسالاک.
هدر کمکی یوتفا قلرله، جهفا کم قفسالاک.
ندومد بولور بارچه یوتفادرلارباک.
گهر شاه ندزمباق بمره یوتفا کم قفسالاک.

یا ره، مانیا نبتدی، بولدی شاهم بلمهن،
کهیش یاسمشن یورزه گؤزراهن مهلیم بلمهن.
بمر ههم ندزور تهتمس، ششتقادنمی بملور،
ههم لهه یهته تیتاهب گؤناهیم بلمهن.

بی خهسته کؤگول تبرور وسالماک بمله خوش،
جاهیم ههم تبئور سبنماک جHmmماک بمله خوش.
هنجران غمی گهیچه تهسرؤ نایخوشتور، لبکم
فکریکاک بمله شادمین، خهیلماک بمله خوش.

تشق کئشمنی باشتنین یئاه بؤنیاد تبتهین،
تشقناک غمی بمله خاتیرنی شاد تبتهین.
دهپسنکی گؤنؤته مئنی هنجران تارا، یاه،
سبنی گؤنؤتوب، نی کئشمنی یاد تبتهین.

تالسی یوقی یاهمغه بیلامغ بولدی،
همر کئشسکی، نهیلده، خهیلماک بولدی.
بُو چهره‌ی زرد مدمن ثواب‌الساق نبته‌ی،
ره‌همه‌ی نفرینی می‌کا سال‌ساق نبته‌ی.
بمر شش‌هول بهله کوْک‌هول ببرب دابوْره‌ه،
بمر بوسه بهله کوْک‌هولنی ئارال‌ساق نبته‌ی.

جان گهدی بار، گهی نسبار، ته‌هم‌سمو کندی،
ثور گهد بله قرار ته‌هم‌سمو کندی.
ئم‌ی داغی ئوس‌ل تسنتزارین بره‌سین،
مؤنچه مه‌هل تسنتزار ته‌هم‌سمو نتادی.

ثور باردوکی، تشرت فارزد تقلیل‌ی،
تشرت تله‌مه‌کلکته فؤل‌ه تقلیل‌ی.
چون ته‌یوش هفراغ مؤمکن ثبر‌هس زن‌هار،
بابود خو مه‌هن‌ه بهله خو تقلیل‌ی.
هنبران غمستن نبچه شکایات قلمیت
کاملگلکی وسلسن هبکایهت قمالیس.
تهگری هدفی بنزین ده‌ب به‌گذر ته سک کابلسک.
کوئفولق‌ده کدک ده لوثق ثمنایه قمالیس.

ئه بار، جهفا رسپی چنقارماغ نه ندبی.
يا مسیى گیاهشمن قوبقارماغ نه ندبی.
بمر مسیى، یانه لوتو، یئنا چیور نبیعور،
بمر بارده‌گو کهلدک، یانآ بارماغ نه ندبی.

دافم ساغسنپ کوئفولقی گال، خوهق قالقل،
رهمه نهمرین مافکی سال، خوهق قالقل.
ناخوهق ندبی بوکی، مین یامان باردم، لیک،
سمن لاله ثوزار یاخشی قال، خوهق قالقل.

مبنیک تسلچکم بودورکی، ثوزارهنده بولای.
هدر قانده تبساک مین داغی قانده بولای.
نی خوهق ندبی، یئه کوئفولق تالدلک سوزر شل.
شرسین سوزر یابخشی خولفوقه بهنده بولای.

ئهی پهیک، بارب سفنا نسلن قوللوک ده،
یهر ثوپ، داغی خوب یهدا نسل قوللوک ده.
گهر یار مهی خسته‌نهی سورسا، زینه‌هار،
مه‌ندی‌ن یوکون‌ن دوّگئا بله قوللوق دیه.

ئهی یهل، بارب گه‌هبابقه‌ی نامسیه‌ن دبگئل.
ه‌هر کمی مبینی بلمسه، بؤ گه‌لامسیه‌ن دبگئل.
مه‌ندی‌ن دبگئل گهر گوئن‌ترولگان بولسم.
ه‌هر کمیکی مبینی سورسه، سه‌لامسیه‌ن دبگئل.

ئاندی‌ن بپریکم گه‌سدنم گئچوئن تؤرئی فئراق.
یؤز هر دوّگئال‌منی مانگا یه تک‌وردی فئراق.
مینی کشکمگدن، نبه‌هیس سؤرئی فئراق،
قلل چاره، بیوق گبئه مبینی تؤئن‌ترودی فئراق.

ئش‌ذکب ببله، گه‌مره‌گشینیو، نازیگشمسو دئی؟
جئوبک ببله سؤرکو گؤدازگشمسو دئی؟
سؤرکو، قئلبمگین، نؤازیگشمسو گاواپای؟
تؤئارو گؤسولوگئشمسو سارگشمسو دئی؟

نه کش‌رجته‌ی قه‌یش گئچوئن مهیی ناب مانگا،
نه تنگت گئچوئن گؤشنیه‌ی مه‌هبار مانگا.
نه فسق قئل‌رته‌ی باردؤر سه‌سباب مانگا،
نه زاهه‌د تؤل‌روه‌ه تاقه‌ئه‌ی ناب مانگا.
مذکره مبنى زار، گی یوزی خوشر شد. گذشت
فورقمت مهمنمنی ماهی جاودن گذیره.
تهریدن تگر سبناس موسمدان باردو،
تهبی گری توجه، گی گذی، مبنى موسمد گذیره.

یوز جهذ کله یهیمان سافتا، گی گذای، نبتی،
همجران ایله مسده نبچه یسغلای، نبته.
یوق سافتا و فاووره همو پدرؤای، نبته،
نی گذای نبته، چای نبته، چای نبته.

نیکیم، قویاشار گول یوزؤک، هسلال گول قاشتور،
بولادور کوچکیکو باغرینک قاشتور.
نامهمه گذگر یاخشی جهؤابفاک یوقتور،
سوکهاک بله یاد فدلسهک همو خوشتور.

شاهرم، سافتا مهیلوم همهستور، نه قلالی،
شاهرم سافتا مهیلوم همهستور، نه قلالی.
منی یوزؤ قاشفاک دوهر نسی سن بدرؤ هسلال،
ماهسم سافتا مهیلوم همهستور، نه قلالی.

یهتمس سافتا، قویلغاومنی چوق توز قلالی،
سن پیتسه کو مهن دوسرهکی، یوق، توز قلالی.
کوپتپر سؤزمود مهرهم شمس هبچ کنشی، روخته تبیسه تایپیکدا — تووق گئرز قملای.

یؤز تاه، زهسرودن مؤههمه مد بابور.
یؤز تاه، زهسرودن مؤههمه مد بابور.
سه ریشته قهی شبیهند کوپکونی زنیاه.
ئؤز تاه، زهسرودن مؤههمه مد بابور.

ره همگی کوپکول تسلهر، تئاغ قتلگاییسی.
زه همگی کوپکوله بخهتا قتلگاییسی.
تکل تککی تهلوک کوپکومه مهیئ توچته دکلم.
کوپکول تسلهین همهقین ثئا قتلگاییسی.

هالسخه کمکه هبوب، تؤؤورؤله تئدی.
ئشرته قهدهئی هبچبیدن تولسه تئدی.
خوئشقوت تؤؤور یار، ئولی مهن ناخوش.
خوئشقوت بولور ئبردمر چاگمر بولسا نئدی.

کم، پار تئاغا تئلم تالبی، تئلم کمکه.
ئؤرگنگمیلی تئلم تالبی تئلم کمکه.
مهن تالبی تئلمؤ تالبی تئلم یوق.
مهن بارمن تئلم تالبی، تئلم کمکه.
تولفته توتایی، گهر بار پیامده تولفته شدیدی.

گنبد این برج، گهر تولفه‌بندی شدید شرق.

بولیگان شرق فیلم، کبک و تولفه شرق.

یا تمبه کوهکولی، نشکن دانش‌سوزی،

خاورگان چپکی بهبهانی هر کمکی، کوره،

خوش دوئله تولفه مسجدبیدی.

لوتیق یه پنه کوهکول بده جان تؤرگ تسهک.

ئوهسلبک بسه ده یا چنانه یان تؤرگ تسهک.

بؤ قاتله یامانراه تؤلیفه هالهم سدنسرز.

ئهیب تهیمه یه نیه یامان تؤرگ تسهک.

تا قلمعلی زنگ ته ب نامنی کوهکول.

ئرده نهیلاه ده ته ب نهیلی که لامنی کوهکول.

تا هجره یه مه یه نیه تسکن تابی،

ئستهبدوره یه پههاب پیامنی کوهکول.

یار تولفه‌کرک، شب‌هاره مدیلی بولسه،

نبتهی کمکی شناپ بنگی خلیلی بولسه.
غیران‌هایشان تازارانی هرمز‌هال بله
چکه‌کیمین، گی‌گیز باری تفهیم‌ی بولسه.

ده‌وران مبنی‌توتکرهندی سهره‌ساملان‌دن.
تاپرده‌بر پی‌پیش مبنی‌خانومن‌دان‌ند.
گه باشمه تاج، گه به‌الایی تمیشه،
نبل‌رکی باشمردی‌کلمه‌دی ده‌وران‌دان‌ند.

کروگ‌شردن‌یا تبرور، نم‌زراره قزل، خسته‌لغشم،
پاشگشان‌گرم‌رگه‌غم بله‌پی‌هست‌لغشم.
باش‌مانی‌غلبه‌که‌تکم‌ی‌تندیم‌ی‌وز‌قاتا،
بولم‌سای‌ندی‌ساج‌گه‌دلب‌ست‌لغشم.

من‌هنگ‌ماک‌نده‌ورزٌ، بوز‌وْن‌مؤم‌ی‌گجه‌ور کبیمِن‌
بمفایده‌تاسفت‌ماه‌مسُن‌نپچ‌ده‌سیم؟
یال‌مانی‌نپچ‌دی‌سپی‌غم‌مس‌سِن‌یار،
سِن‌دِبْه‌سِکِو، یَاِی‌یار‌مبِنی‌مَن‌نه‌دیم‌؟

نپچ‌بْوه‌فُله‌پُک‌سالگوْسی‌غْور‌بِتْق‌مبِنی،
هَر‌لِه‌هُه‌تَوْگ‌ته‌کُوه‌مِنش‌مش‌شق‌ته‌مبِنی‌.
نی‌چَاره‌قلِمانِی‌، نِبْتُه‌یکِی‌، نِگُورِ کُرشیا،
من‌هن‌مان‌نی‌ماگِا‌یار‌انتِی‌، سِه‌نته‌ته‌مبِنی‌.
گهر مهربان بدل‌من بُچرخ تؤثیرگذشته‌ندی
جانانگیز کُنونک جهانی کنونک تولیده‌ندی.
بابور کهی‌ی جانچه مهر ابلاغر تبرئندم.
گهر تؤثیرگذج‌هاندی مهره‌ی گان بولندی‌ندی.

تنشته‌کشی بُچرخ نشون، نه دبگی؟
دامی بُچرخت گنجنگ کُنونک نه دبگی؟
دوشمن سؤسنه‌کنونک کمره، تنشته‌دوست سؤسین،
تنشته‌سکس سؤسینلی دوست، دوشمن نه دبگی؟

باشمندی تؤفه‌بیل تول سرمارامدفقفیقلا.
جانانمی فیما تؤملس سِهی قه‌دغه قفیقلا.
بُچرهسته کُچرول بمله ختمده قه‌دنی،
کُچرلی بمله، رؤلفرگ کُنونک سِه‌دفقفیل.

کُچرولگه نبچه‌کی سیری مهتلوک تولشه.
قالاماس ماه‌ها سهبر، سبوری گتیپ‌بیب تولسه.
گهر هجری‌نگفگ نمتمدادی میشدند تاریک،
نه‌ببانی سورماق داغی مدرغوب تولسه.

بابور بمله مسر تنستتفاقی بولسه،
پوچن‌د مگه‌گه جهان نسفاقی بولسه.
بودیو تلبه کمکی، شاه ده گاه‌شده.
مبن بهنده توجیه هم‌ساختی باقی بولسه.
ؤولیحه قطع میسمز تالبی‌توی.
هجریک تارا گختپارسز قالپی‌توی.
مؤشناقلغمم شرهنشدی دیه تال‌سمدن،
دبیارنگه گشتنیاق کوپ غالبی‌توی.

گره روه ده من تبتسه تبردی تاهوگه نهغه.
مجلسدنم نه هورشن قالرور گردهیو نه غه.
تا بارغالی روه ده من برناک مجلسدن.
مجلس گیلمگه نه روه قالریده نه ده.

ده‌لو تکه پیبتپ مسنهت پیبلن گونوتوه.
بوع بش کوه توجیه نورهگیه نحسرن تونوتوه.
بارگانی، کحل تمدنی، یاد قلمای، ثثی دوست.
بارش - کبلشگنی لوطق پیبتپ گوسوتوه.

دیواننیه نه روهتوهن نه تورتبدوز.
نه جه‌دوئلوه نه لهوهوه نه توره‌بی‌بی‌گو.
کی ساگا یبه‌دهمن، ثانی ثیب تفیله‌کسهم.
دیواننگی تلبه‌گه تقدیر‌بودوز.
Хатангани кўрёб кохқолға ҳимёрет Болдўи
шайтаниям ғаштиси ғанға мусорат 1 Болдўи
юнчё мезал угфагўл 2 угтисақ докмек,
таланд ғоуг ғадなもの, мовччор угфалет Болдўи.

Соқ соرغали ғослоғ ноктиманф бапяман,
юз соорат кўлға ғастиманф бапяман.

баямон ноктиманф ғастиманф, ня тағғом,
намапп ноктиманф ноктиманф бапяман.

ҳенжран ғаран ноже наме ғоҳир сал."""""
хаме телё бирлехал ғоҳир сал.

қош ғулқо ғоҳир тарға ғасмо ғоҳир сал қоятмеб."""""
сён ғанаёй мон мондё, нё ғоҳир сал.

ғи ғамотға ғоҳир лболері ғабемяат.
""""""""боқдор теллекмеки, мон мон ғосмалге бат.

ҳенжрангҳо маға ғо ғабер қалд, нё сёбат,
я ғол ғо ғабер, я мағи ғозроғе ғат.

1 мусорат — шадлек, соғулсун.
2 угфагўл — босмеке сёлеш, ғоҳирлётё нёлеш.
3 угфагўл — босмеке сёлеш, ғоҳирлётё нёлеш.
ئهی یار، هدنم کوُشَوَیی یاد تایله مدیک.
مه‌ریگی کم ته‌میله مدیک، زیده ته‌میله مدیک.
یا هدنده گونه باردور، ته‌ریگٌدفرک، یا سدن،
ئآیا نی جه‌مت‌رورلکی یاد ته‌میله مدیک.

خوئه تولکی کروزوم تهه‌شه سبناک کورهک.
بمواسسته هالسنی دسبه تئروزه.
بهرامی سروره جوانان توچچگالاناسن.
قلیدیدک مینی موهنتان جوچوک سروره.

سن گولسدنن مهن هدقر بولقودرومن.
سن شؤللهسنن تئول شؤلله مهن قولقودرومن.
نامه‌ده بوقت‌ر ده پ کجتنلاب ته‌میله کم،
شاهمه نهلگه، ظلی سافا قولقودرومن.

هرسونگنی سبناک کمک کنه‌قوقول قسلگای،
سندس باشکه نبچون تهو‌میل قول قسلگای.
بو ته‌بقو، بو تختلانتکم سنه‌دروز،
نه مهنکی، باری تالدم تبلسن قول قسلگای.

ئهی قورغان ته‌لی، قالدم‌سور ده‌ماننلابنگز.
چسچاملودرور بو جهل قسلگالانلابنگز.
جاندهاک کشمتی کلاغم‌دندن چون چنگرا
سوز چنقماساقفر. چنقمسه کبراه کنلارِ غار.

غوغاده مهی گرتنگی قلمچاق قلمچاق موءشکل.
جانگه کومه تلک ته‌راز قلمچاق موءشکل.
بولماهی ده‌گی مهست خاب قلمچاق موءشکل.
ته‌هربدَسکن تجسیمان قلمچاق موءشکل.

خانترَنی به‌هار فسسِلِمده گَش‌شتِ گِلادُور.
کُور نُؤرَنی رَه‌گی لال‌موءد دَه‌شتِ گِلادُور.
خوش ثلَکُی تلالارده یوروب سهیر ثبتسه.
پَه فسسِلده کَمَه له‌سفو دَبلکَشِ گِلادُور.

کهِلگَلِکی، دِمَهی گُلِتَرورْبان مِهدی تِچ‌له‌هاک.
دوُنیا غم‌مُؤرْنِنگِدَن زِمانَی کِپَچ‌له‌هاک.
چون تَیِشِؤْن نِشاتِ له‌شکرَی سهِف تَؤزَدی.
نَجی مِهجَه‌تُؤ غوُسِسَه خُدَیلی، سِزلَر ساچ‌له‌هاک.

هِر کَمَکی، ظَوفا قَلَسَه، ظَوفا تابقاتْسَدَر.
هِر کَمَکی، جَوفا قَلَسَه، جَوفا تابقاتْسَدَر.
یاْخُشی کَمَکی کَوُمُه‌گی یهْمانْلَمُه هُرْگُز.
هِر کَمَکی، یامان بَولسَه، جَزَا تابقاتْسَدَر.
هر سوژه‌کی، نه دورهم ساختا لاق تولماگوسی،
به‌سیاه هر چه‌زدگی گدازه گردیده‌گودون
طول نشته، تدگه مؤخاله فهت تهیه‌رسن.
تکریه همچون، بوز سوژه خلخالی تولماگوسی.

کوژره‌ورسم نامهی سبناش چهمالنی بسره،
کونولخون بیدی سبناش وسمالنی بسره.
به‌س تسیریه‌ور ناخونش سننی هچرلیک بزندی،
نامهی قبلاضلاف حیوی خمیالنی بسره.

نبتهکی کمشی بوز فهلاغ نمفاشی بسره،
بته‌تکی بوز فهلاغ ثابط سورااقی بسره.
گهه‌تهرگژدوز وسالة نوبیامدین.
گهه‌تئلتوردور شامی فسرااقی بسره.

کوژره‌ک باری ساغلارنی مهست ته‌تگوسدوز،
غه‌مزله‌ک باری مهستلدنی بهست ته‌تگوسدوز.
کوب زاهدوز پارسانی بابور یاگسخ.
لدملاک هدوسی باده‌فرضت ته‌تگوسدوز.
قاطنگیته نگذر گوناپ گاه قُلیمان.
پوزر قاتله ندبهته بله تُه قلّکی.
قلّکی یامان تّه برّه توباه قلّکی.
لوتغّوک بله سن کُچّور گوناپ قلّکی.

تیکم باری شگر گهله بسپر خان یاگلّی.
شگرّلک باری شگرّلگه سؤلتان یاگلّی.
مهمّنی ثانّلک خدّنتی سؤّادی شچّر،
رّلّمّه ثاراسدّه ثابههمیوان یاگلّی.

شگرّلک تّمشتّر فنکّرتنی بابور قلّلکی.
نی فنکّری خوّش نوعاّخی شذّهسّووار قلّلکی.
کوّنی یارّرّق تّهبلّغی سؤّادی بردّ،
مهمّنی بله قؤّلّاقیه پُرّدّور قلّلکی.

گهرّ سدّدیق بشر ثّوزّرگه ثاشق قبولّگای.
مهمّشّوک خسّالی ثاشا لایق قبولّگای.
پّرّ ثالّلّده ثابّقوسی مؤّرادن بیتسوک.
هیّر کمّکی، تّگهّر مؤّرّیدی سادّق قبولّگای.

بسمه برمّنّه، بسمه ساماندّوّرمن،
بشر خمّجهده دورّمّنّه بهرّشاندّوّرمن.
نه دنیا که شن قلبی‌سوزه دو نیاندی،
یا رتب،به‌نتیجه فَؤُر متشم هدیران‌دورَمِن.

تا قلبی مبنی فمِر قِرآ یاد هبِب.
مهدوگر کوکظلی، ثَیل‌دهی شاد هبِب.
گَر جَمِلس مؤسِسر گولماس، نتهی، بابور،
فَریاد، همه‌بُرو کاهو فریاد، هبِب.

کوک شهبانعی تاروتِالی مهلوش کُلدلَف.
سَهبر تَوَیوسی کوکِدُورگُلی، ثانیش کُلدلَف.
قلدلَف کُبَنی کلِگْنِسک بله سننه‌تادار،
ره‌همت ساگا، یا ششی کُلدلَف حَوش کُلدلَف.

یوز شوکری قملایکی یهنه تاشق بولدَوم.
ثالِمْهِ بولدَوم فمِسْنْه تاشق بولدَوم.
یا ششی سولْگَو توْسفی چمالَف تِنشتب.
کوْرْمِدی سبْنی غاپِبانه تاشق بولدَوم.

ئهی ثاَی، یوزْرُک اُلادِه قَوْیاش شَرَم‌نه‌دِه،
شرِن سولْگَو یاْشی خولْقوُکا مهن بَنِده.
هنجرانده نبْچِه ناهه بله سولْزوُلَه شَمْلُک.
یا سَین بیری که، یا بارایْن مهن تاْنِده.
یا رهب مهنده نه یاخشی تالائە باردۆر.
کەم، بەختی مؤتەسوژە یەری تالائە باردۆر.
مهئژۆر تەوە تەوە مەسلەکە چەبەراک یەتەسەم،
نە چارە قەلایە، گازەمەنه مانەدە باردۆر.

سەناسەز نبەچە غەم بەرلە مەلالەی کوڕەڵەک،
ەچەراجمە چەرە بەستبەسەیە، وەسەڵەی کوڕەڵەک.
ەچەراجمە چەرە خەیەڵە تەڵەئەکەرەڵەک.
لەتەق چەلەدەئە کەبەگەلەکی جەمەلەی کوڕەڵەک.

ەچەراجەوە بە توەن کوڕۆکەلە قایەگەوە تەرەدەی،
وەمەسلەکە یەتەشەهەڵەم، جەمەتە بە گەرەدی.
ئاهەم تەوەئە بەرلە کوڕۆئەنەکە یاشەدنەی،
یەڵە باچەجە چەئە، گەچە قەرەفەوە تەرەدەی.

ەچەراجەوە دەگەرچە جەنەئە بەداد گەرەدبی،
سەناسەز مەکە بەرژەنەوە ەلەڕەبە تەرەدبی.
فەکەرەکەوە تمەنەدەوە لەبەک خۆرەنەدلەگەم،
زەکرەکە بەڵە بە تەخەستە کوڕەوە شەد گەرەدبی.

کوڕەوەکە داغەی کوڕۆکە گەرەفەتار نەتەساک،
سۆرەوەکە داغەی سۆرۆکە گەرەفەتار نەتەساک.
بَوْ تَهْبُّ عَكْ ۖ كَلَّامِکَ بَلْهِ تَرْؤُرَا باِشۡکَلٞ تَعْجُوَنُ،
باَشَدَن مِبَنی ثُؤُرُوۡهَ گَرِی‌فَتَار ثَهَتَسَقُ.

ۖ تَشَقُّقَ سَعۡی‌کَ مَبَنِی قَلِدَی تَسَرُّوۡ شَهِیداً، نَبِتِیسُ،
تَعَالِم ۖ ثُبِّلَبُ ثَمِیلَدِی رَسۡوُا، نَبِتَیسُ.
جَانِمَنی فَکْدَآ قَلِبِّ سَافَ، ثَانِدَسَ سَوَکَ,
دِرَه‌مِکُی، سَبَنِی جَان ۖ گِتَتَی، ۖ گَمَا نَبِتِیسُ.

ۖ ثُمَدَکُکُو تَتَبَرُّ هَوَتَوُسُوُکَ بَنَدَه بِوَلَای،
ثَؤَازَوُو تَوَسۡوُلُو جَوَتَوۡسُوُکَ بَنَدَه بِوَلَای.
تَقَسَم قَلِبَوُدِه نَقَشُوۡلُگَه ثَبِبَدَ،
تَوَرَب بِسَلُه تَوَقَوۡشُوۡکَا بَنَدَه بِوَلَای.

کَلَدَی رَمِه‌زَانٞ مَه نَم تخْی بَادِی‌هرُسَت،
ثَبِبَد ثُوَلَدُی‌ی زِنگ‌ری مَهی قَلِب‌وُرَمْمِن بِهِمَه‌سَت،
نَه رَوَزْوُهَو نَه نَم‌مَار یَلَلارَ، ثَایَلَرَ,
تَوَن کَوَن مِهِی مَه‌جُوُن بِسَلُهِ دِی‌اندَه‌وَو مَهَسُت.

جَسّمِمَه ثَسَتَسَم تَابَدَسن ثَاتَیِشَدُوُرَ،
جَانَسَم‌گه بَه‌لاوُو تَفَسِسِه بَب‌بِرک‌شَدُوُرَ.
کَوَّه دَمِر دَنِی وَم‌س نَامُسَا ناَخَوُشُوُلُو نَمَدَی،
سَمِن صُرْعَالَی، ۖ گَمِهِبَو کَوُکَلُو مَه‌شَدُوُرَ.
همر یبرده کی گؤل بولسه، تنکن بولسه، به تک.
همر قاندنی کی مهی دْوردینس بولسه، نه تک.
شئرمنده تگهر ههل، تگهر جد، کچچوکه.
یاخشه بارنه تگهر یامان بولسا، نه تک.

نسمان قلممن نبچه مافا کوْرگهیسَن،
وهفت ڤولنکی همجر نامه‌سین تُرگه‌یسَن.
بَدوز تَملگه‌سِم، خه تسُئنی چنوُن کوْرگه‌یسَن،
ئُلبه‌تْه، ثُرُوُقُنی مافا یه تکورگه‌یسَن.

جاغسه یپشنتشی تُرُؤُن ناغ یبرله کُوْکُول،
دهده‌نی تُرگه‌تْمَس ثایِتمبْس بِرل‌ه کُوْکُول.
غوُره‌ئه تئاْیاق بْرِل به‌دهن تسْئنمُس، لبک،
پْؤز شْوُکرْنکی، تنْچِدوز قْولَْاُغ بْرِل‌ه کُوْکُول.

ئُهباَب تُؤْنْئه‌مه کْپْرهُک ْتُهُدی ْقَدِئم،
یه تکورُس‌ه کْپْرهُک خْبُرگُهی پهیک نه‌ئسِم.
بابْؤر چوُنْؤْمَس قْسُل‌رُهُرْزی نْیاَز،
شایه‌کی، قببُؤل ْعیِلْگْهی تْبُبِئی سَلِم.

ئوْل شْوْخکی بِملدُود‌رُی ةْوُفاَدارُلْعَْس،
تَدِرک ثیره‌لْدی ْغوبای سِرْمَه‌کارْلمُسَن.
لوتیق کیلده یارلمقفا فهمان بهردی،
ئهیدا بسله یاردور، نبته یارلمگسن.

سپنتاق بسله سؤز موقدورر قنداق قملایسن،
ئالهمده سپندی مؤتنتهه بر قنداق قملایسن.
تصرفی هقیب بو خزمتهت هدگر سون قملایسن،
هوئ هؤشکی کوکلکف تسخه، قنداق قملایسن.

هنجران غمادسن زشیق جانم سولدی،
غوربت گلهمی برعله گنجهم قان تولدی.
یؤز شؤکرکی، مؤنجه يملغی غم برعله گلهم،
رائده بسله گنره تقه موبلهدل گولدی.

ئششکاق نبته یشرتیارسز قملایدی مبینی،
سهبرمنی تالبت وارسارسز قملایدی مبینی.
ئالهم شجره شارسز قملایدی مبینی،
زوهد ئه هنگه یئنتسارسز قملایدی مبینی.

ئازار گلله نبچه گوفرتگو قملگایسنز،
ئازرده بولورنی جوستیجو قملگایسنز.
مؤنچه‌کی کوه‌های‌گرم به‌نشتی گزار.
می‌برله مه‌گرگی شوستوشو قملغاپیمزم.

بی یاغلغمتم، باغی جننان چاغلغمتمد.
جان رشته‌سی هزار رشته‌سگه یاغلغمتیم.
تنه تاری پُژَرم ثالث‌نودهکُترو سنسر.
کور، گول گنگ‌هگدن نمؤنی بی یاغلغمتمد.

گهر ئادشی هَغَریک تارا بولدوم ماکس،
ئهیب گهلمهگم، هادسصدئر هادس.
قوهمی گهیبی چاغرمغه قملدی ترگمیب،
ئهمری گهیبی هَغَریک بولدی بانیس.

قاسدکی، ییبادبافی گهیبی شاه مبینی،
دائم بی یوسوسن‌لوق گهیلمگمل یاد مبینی.
ئازادگه قؤول بولایکی خشنگه کُتروب،
هَغَریک غصِدن گهیلدنئیئار مبینی.

بئ تاریم تارا ئهعبب ئهلمهر کؤردوام,
تاهل گبالمدن نؤرفه سئهملمر کؤردوام.
همراهی به "هوگامی" نی توقیر، بلگهیکم،
نه رونجویی مهنه‌تانه ته غم‌مانگو کو‌ردنو.

نه خش و مبنی خوش‌داراوه نه بسگانه.
نه غیری زیرا مهندسی نه جانانه.

هر نبچگ کی باخش‌سلقه ق尔斯هم تفسون،
خلقه دوچره یامانیمغ بله مهان تفسانه.

ئبه بادی سهبا، تهیله خوراسانمکه گوزه،
مهندسن دبگن چول یهرده برهانه‌تان خبه.
نچه سهم کرگ تسه کوکُلعک توچون قلم‌ایسیم،
ئمدى بیزناک توچون تهیله ببینانه سهفر.

خویت‌مانی کوْرُب سوزرمنى چون بلگه‌پسر،
کل‌بمکه بهزگه چال کدبی بلگه‌پسر.
ئنخلاتگنی بغلپ یبرانبدم قاسدی،
رههمت سفگا، زننهاکی، بات کبگنپسر.

کوْبیدن بهنکم پاره دیاریم وقتور،
بهر له‌زهوؤ بسر نه‌فس قارایم وقتور.
کوْرایم پُسای ترُوز تخوشیاریم بیره.
لبکس، بابر، ته‌مدی تخوشیاریم وقتور.
تا تمرکز مهناهیوش شراب گشتمشمن.
نفسمگه خواهای گذشون گذزاب گذتمشمن.
تدویه تشمکه هنوز گذشکه کمی،
پو تدویه به بر نمه شتاب گذتمشمن.

هر همزکی، خلایمقا گاندبن گایربلجام گمش.
پول هنز مهزهسیوه قدرنی بیلهمس گمش.
مهمگنوه، بهستوه، بوزوه، بوستوه که بیه،
بر جوزر چاغر دوزره گنینه قلمجاس گمش.

مئی تمرکنی قلمغالی ثبروزمرن غمملق،
بار تمره گورکولگه هر زمان درههمدلق.
غم بسره فرسرده لبق ههلکه ثبنتی مبنی،
مئی بسره گمش شادلگو خوررملق.

مئی تمرکنی قلمغالی بهرشاندروم،
بلمبن قلمور گسمیه هبراندروم.
ئدل بارچه بوشیمان بولوره تدویه قملور،
مئن تدویه قملچیه ن دوشیمدهروم.
بهبهان، فسرا سگورز بعلث ثالث نبتکه.
سوزرهگ کشته نی چاره نهیالپ یهندی.
جمالیتگمگنزی جمعه نتوانند تاگری.
بابورنا داغی بو ورویاندو جمعه گهانی.

بضم‌های گل سبیل میش بوتیمی شندم.
همگرگ بر سفه تنی ساختا به‌وهیمی نشندم.
ناهید قاغرب میبند توهنتولج تاکر.
وهلامکی، سندس بو تومه‌پی توهیمی نشندم.

هنجران قهفسد جان قوشی دهم قلادور.
غوربته بو گدزی نتونبند کهم قلادور.
نی گرهی بسته فسرا گوربته شهرو،
کهم کوز باشی نامه‌نابه نئین نئه قلادور.

ثوت سالید کوکولگه رنج‌هو بستابلغم.
سولدلی بو خسته جانی بیتالبضغم.
بو تماک‌سی تماگچه بار موهنلگو سیب،
لبه تولبیم راگچه بخابلغم.

کوکولگه گوتئ شککی کورؤمی سودور،
مین خسته‌گه رهم قلکی، هالیم بهدور.
غنم کوندوزیج فسرا شامی یاشلیغ.
کون یوتون ماثا نی قهراو یه توهیمی نه توهیمیه.
جمهوریت کننده کوئده مهکم بولادور
کُرده یث‌جافور ثویقی، چرما قه‌اقلام بولادور.
هر یثک‌کل‌سی گهمم سهل سهرم‌هاد،
بارگان سایی بو قزادر، گول کم بولادور.

نَه یار ظَهُفا قَلَغوسی گَاخیر، نَه هُریق،
نَه سیدیفِو شِتا قَلَغوسی باقی، نَه هُریق.
یؤر هَهیفکی زایینی کُرده‌دور کُمری کُرغز،
ئفوسکی، باتسل بارادور کُمری شهیق.

تهباب یبگنندسن بچه مَن قالَغایمِن،
ئوُرَمنی نَبَسبِ گَول تاراغه سالَغایمِن.
بارسام داغی ثانِده سُهمان کسَره‌تشدن،
مه طولُم ئَه‌مسکی، یهَ تابا تالَغایمِن.

نَه خوُشعُوخ گَله بو گَشوتفُو قَلَلمَشِمِن.
بُشَریت بَلله ئَهیشَنی نَه گَش قَلَلغایمِن،
مَبنکم، یه مَسَهَنَهْت بَلله خوُ قَلَلمَشِمِن.

یهکسان که‌هَم‌بُک قاشَدَه مَدْبَر مَوْقِبل،
تَاسان سَبَنک قَالِب‌لغه جَهَمَکی مُوْشکِم،
یا لَوْشْقُو گَنَاَیت گَانِجه قَلَلمَشِم کِرَهْرِدی،
یا قَه‌هَرَغوْفْه بَنی تقاطم بارِچه قَلِل.
قش گهرچه زمانی مهتفه‌لوگه کشته‌ند،
لبکس با شتاین گهندنی کوپه دلکه‌شتر.
هنگامی نشان‌لو باده‌نه بسپه‌شتر،
مده بولماسه مه‌مکون داغی بولسه خوئشتر.

مستکی مهدام، مهسها دیگه‌ن تووزی تکه‌نه،
نوتقی مهسها دیگه‌ن سؤزی تکه‌نه.
قده‌ر کچه‌سه بیکسین رؤلناک گانمک،
نه کمشکه، نده کنوگنل، روژی تکه‌نه.

ئه‌هبابکی به‌زمسده گولستان خهستن،
یوقد لبکس تاله‌ر به‌زمسده بزگه‌ده سختن.
ئول جه‌مکنه گهر هوژوزری جهمه‌ی‌سپنت بار،
یؤر شوکرهی بئو جهمگی بمهوزر به‌مستن.

دوئنیا بارسی ماغا مؤسس‌محور بولسا،
ئوقباده داغی خودای پئوئر بولسا.
بئودور تلمه‌گم شککی جهانده همکسدن،
هرنه تلمه‌رهم، باری مؤستس‌سر بولسا.